

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۲

جمعه ۹ مهر ۱۳۹۹، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰

### انتخابات آمریکا و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه

تعیین کننده ای بر فضای سیاسی در ایران خواهد داشت و تکلیف جمهوری اسلامی را نهایتاً انقلاب مردم تعیین خواهد کرد و نه جابجا شدن روسای جمهوری در آمریکا یا جای دیگر. یک نکته را هم از همین ابتدا اشاره کنم و آن اینکه از نظر کلی روشن است که ترامپ و دار و دسته اش یک دار و دسته فاشیست و ضد زن و ضد کمونیست و ارتجاعی تر از تمام جناحهای رسمی در آمریکا هستند و شکست ترامپ مستقل از تاثیرات و ترکشهایش برای جمهوری اسلامی، در کل بفع جبهه مردم خواهد بود.

**برجام، آمریکا و ترامپ**  
سر شاخ شدن ترامپ با جمهوری اسلامی موضوع بحث داغ رسانه های خبری جهان در چند سال گذشته تاکنون بوده است. در مناظرات انتخاباتی اخیر نیز یک بحث مهم مساله برجام و جمهوری اسلامی بود. تحریمهای اقتصادی و تسلیحاتی دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی دامن خیلی از موسسات و کشورهای مختلف جهان را گرفته است. لغو برجام مناسبات دولت آمریکا با اروپا را نیز بهم ریخته است. اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی از سلطنت طلبان و جریانات ناسیونالیست و قومگرا گرفته تا مجاهدین و سکولار دموکراتها با حرارت تمام طی چند سال اخیر از دولت ترامپ به دلیل در افتادنش با جمهوری اسلامی با حرارت

چند روزی بیشتر به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که روز سوم نوامبر یعنی ۱۳ آبان برگزار میشود باقی نمانده است. اینکه ترامپ یا بایدن کدامیک به کاخ سفید راه می یابند دقیقاً روشن نیست. در نظر سنجی ها بایدن همچنان چند درصد از ترامپ جلوتر است. اما پیچیدگی انتخابات آمریکا که ترکیبی از قدرت سیستم فدرال و سیستم مرکزی است و ایالات مختلف نقش و جایگاه متفاوتی دارند و نهایتاً کالجهای انتخاباتی (Electoral College) هستند که تعیین کننده نهایی رئیس جمهور جدید هستند، همه اینها باعث میشود که نظر سنجی ها الزاما امکان پیش بینی دقیق پیروز انتخابات را بدست ندهند. بارها در تاریخ آمریکا و از جمله در همین انتخابات قبلی که ترامپ سر کار آمد، نتیجه نظر سنجی از مردم با نتیجه نهایی انتخابات متفاوت از کار در آمده اند. موسسات پیش بینی انتخاباتی که تمام عوامل دخیل در نتیجه نهایی را برآورد میکنند، برآوردشان اینست که علیرغم جلوتر بودن جو بایدن در نظر سنجی ها، پیروز انتخابات دونالد ترامپ خواهد بود.

بهرحال قصد این نوشته پیش بینی نتیجه انتخابات آمریکا نیست. بلکه میخواهیم نگاهی به تاثیر انتخابات آمریکا بر وضعیت جمهوری اسلامی و فضای سیاسی ایران داشته باشیم. نکته ای که میخواهم تاکید کنم اینست که انتخابات آمریکا تاثیر

### در باره جنایت تازه اسلامی ها در فرانسه

و لزوم بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

صفحه ۳

حسن صالحی

### محمد بهانه است. حفظ منافع زمینی مساله است!

صفحه ۴

اصغر کریمی

### دریاهای آدمخوار و رؤیاهایی که غرق می شوند

صفحه ۴

سیامک بهاری

### تروریسم اسلامی و آزادی بیان

صفحه ۵

مصاحبه خلیل کیوان با حمید تقوایی

### در سالگرد قیام ۹۸ و در آستانه قیامی قدرتمندتر!

صفحه ۶

محسن ابراهیمی

### بیانیه به مناسبت سالگرد خیزش آبان ۹۸

صفحه ۱۰

### بیانیه: مردم انقلابی عراق بار دیگر خیابانهای

صفحه ۱۱

این کشور را تسخیر کردند

### بیانیه: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی افسار پاره کرده است

صفحه ۱۲

جورج فلویدهای ایران را جهان می شناسد!

### نامه سرگشاده به کمیته بین المللی المپیک:

صفحه ۱۳

رژیم اسلامی ایران باید از جامعه جهانی ورزش و المپیک

### از مדיای اجتماعی حزب

ادامه در صفحات ۱۰، ۱۴

### اطلاعیه ها

در صفحات ۱۲، ۱۳، ۱۴

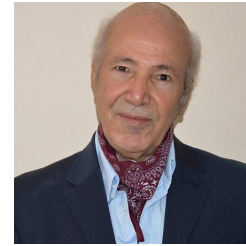
سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در هر صورت ادامه خواهد یافت.  
ایدئولوژی ضد آمریکائی گری

مساله اصلی اینست که رابطه دولت آمریکا با جمهوری اسلامی دو طرف دارد نه یک طرف. مانع اصلی خود جمهوری اسلامی است. این حکومت هویتش ضد آمریکائی گری است. صفوفش را در داخل و در خارج از کشور با موضع و ایدئولوژی ارتجاعی ضد کل ارزشهای آمریکائی و غربی، از جمله محور اسرائیل از نقشه جهان و امثال اینها ردیف کرده است. این سیاست بهای سنگینی برای این حکومت داشته است و بحرانهای عمیقی را در درون این حکومت دامن زده است. اما کنار کشیدن از این سیاست هویتی و کنار آمدن با دولت آمریکا رویداد ساده ای نیست. بلکه به معنای یک سرشکستگی مهلک و سنگین برای این حکومت است. کنار کشیدن از ضد آمریکائی گری کل صفوف حکومت را در داخل و خارج بهم خواهد ریخت و با توجه به فضای اعتراضی گسترده در داخل ایران و اینکه مردم منتظر فرصتی برای سرنگون کردن این حکومت هستند، میتواند برای جمهوری اسلامی مهلک باشد. در این زمینه میتوان مشروع تر بحث کرد. ما در اوج توافق نامه برجام نیز گفتیم که توافق برجام علیرغم جنجالی که از جانب جناحهایی از حکومت و دولت روحانی و رسانه های بین المللی و طرفهای غربی بر سر آن راه افتاد، حاصلی جدی برای رفع بحران بین المللی جمهوری اسلامی نخواهد داشت. و خیلی زود معلوم شد که اینچنین خواهد داشت. از نظر عملی در خیلی موارد سیاستهای دولتهای آمریکا و حتی اسرائیل با جمهوری اسلامی همسو بوده است و توافقات و مذاکرات پشت پرده بسیاری داشته اند. اما با این توافقات پشت پرده، عدم توافقات رسمی شان پیچیده تر شده است. بهرحال از مساله انتخابات آمریکا دور نشویم. نتیجه ای که میخوایم بگیریم اینست که انتخابات آمریکا در وضعیت انزوای بین المللی و بحران بین المللی جمهوری اسلامی تغییر اساسی ایجاد نخواهد داد. بویژه اگر در نظر بگیریم

## انتخابات آمریکا و...



اقتصادی ای است که محصول این سیاستهاست. حتما بدرجه کمی وضعیت قیمتها و خرید و فروش بهبود می یابد اما نباید در تاثیر اقتصادی رفع تحریمها بنفع مردم بیش از حد اغراق کرد. وضعیت معیشت مردم از آن بسیار ناچور و غیر قابل تحمل بوده است و خواهد بود. اما اگر تحریمها کنار رود هم بهانه تحریمها از جمهوری اسلامی گرفته میشود و هم توهم بهبود اوضاع بدون تحریمها در میان مردم کاملا رخت بر خواهد بست. به همین دلیل ما تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی را منفی ارزیابی میکنیم و با آن مخالفیم. نکته اصلی اینست که بدانیم که با تحریم یا بدون تحریم، جمهوری اسلامی باید با انقلاب خود مردم سرنگون شود و جریاناتی که تلاششان اینست که این توهم را در میان مردم دامن بزنند که دولت ترامپ یا هر دولت دیگری ممکن است به نفع مردم کاری انجام دهد عملاً آب به آسیاب دشمنان مردم میریزند. نباید فراموش کرد که بدرجه ای که دولتهای ارتجاعی دنیا در سرنگونی جمهوری اسلامی دخیل شوند، فضا را بر مردم و نیروهای مردمی تنگ تر خواهند کرد و سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی ای نظیر همین سیاستهایی که اکنون توسط حکومت جاری است را پیاده خواهند کرد. در یک کلام همانگونه که ما مدام تاکید کرده ایم، راهی مردم از شر جمهوری اسلامی و سیستم مافیائی و چپاولگر حاکم با انقلاب مردم امکان پذیر است و هر گونه تبلیغاتی جز این و هر تلاشی در مسیری مغایر با این، به زیان مردم و بنفع ارتجاع و عقب گرایی و بنفع سرمایه داران و مفتخوران خواهد بود.\*

که روی کار آمدن احتمالی بایدن مناسبات دولت آمریکا با چین و روسیه را که اکنون بسیار بحرانی است، قطعاً بهبود خواهد داد و این خود فشار بیشتری را بر جمهوری اسلامی خواهد گذاشت، میتوان نتیجه گرفت که باقی ماندن ترامپ در راس حکومت آمریکا شاید بیشتر بنفع جمهوری اسلامی است تا کنار رفتن او و روی کار آمدن بایدن. تحریمهای اقتصادی و تسلیحاتی که دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی به جریان انداخته، میتواند در دولت احتمالی بایدن نیز به عنوان اهرمی برای فشار بر جمهوری اسلامی برای کنار آمدن جمهوری اسلامی با سیاستهای آمریکا تاملتی ادامه یابد. نتیجه اینکه تا آنجا که به خلاصی از شر جمهوری اسلامی مربوط میشود نتیجه انتخابات آمریکا هرچه باشد تفاوت تعیین کننده ای نخواهد داشت.

### مردم ایران و تحریمها

ما از بایکوت سیاسی و دیپلماتیک و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی دفاع میکنیم. اما روشن است که با توجه به نقش اقتصادی نهادهای جمهوری اسلامی، این بایکوتها نیز تبعات اقتصادی خواهد داشت. اما روشن است که تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی فشار اصلیش بر کرده مردم است و خواهد بود. سرمایه داران و "برادران قاچاقچی" و کل باندهای حکومتی راههای پول اندوزی را خوب میدانند و با گسترش تحریمها و افزایش نجومی قیمتها مدام پول تل انبار میکنند و مردم را بیشتر سر کيسه میکنند. اگر این تحریمها کنار برود بهانه تحریم از جمهوری اسلامی و ابادیش گرفته میشود و مردم آشکارا می بینند که مشکل اصلی خود جمهوری اسلامی و سیاستها و بحران

جمهوری اسلامی و دولتهای دیگر بود. با روی کار آمدن ترامپ در سال 2016 یعنی یک سال بعد از توافق برجام، اپوزیسیون راست و سلطنت طلب ایرانی جشن گرفتند و از کل سیاستهای فاشیستی ترامپ چشم بسته حمایت خود را اعلام کردند. زیرا او گفته بود که توافق نامه برجام را پاره خواهد کرد. آنها دولت ترامپ را دروازه رژیم چنج و به جلو رانده شدن تغییر و تحولات از بالا بنفع خود میدیدند. اما ترامپ گرچه توافق دولت آمریکا با برجام را پس گرفت و لحن تندى در ابتدا نسبت به جمهوری اسلامی در پیش گرفت، اما بعد از یکی دو سال با اعلام رسمی اینکه قصد کنار زدن جمهوری اسلامی را ندارد، بلکه میخواهد این حکومت را به سر میز مذاکره بیاورد، آنها را نا امید کرد. دولت ترامپ از یک طرف با تحریم اقتصادی فشار سنگینی را بر کرده جمهوری اسلامی گذاشت، اما از طرف دیگر با کنار کشیدن از منازعات و رقابتهای منطقه ای در عراق و افغانستان و برخی مناطق دیگر، میدان را بنفع جمهوری اسلامی خالی کرد. بدون تردید اگر ترامپ در این دور جدید برنده انتخابات شود که محتمل بنظر میرسد، همین سیاستها را فعال تر دنبال خواهد کرد و بعلاوه هدف اصلی خود را که آشنی آمریکا با جمهوری اسلامی است فعالتر پیگیری خواهد نمود. از طرف دیگر بایدن نیز همانگونه که بارها گفته است به سادگی و بلافاصله به پای برگرداندن برجام نخواهد رفت. بلکه سعی میکند از حکومت اسلامی امتیازاتی به نفع سرمایه های آمریکائی و دیپلماسی آمریکائی بگیرد و بعد با حکومت اسلامی سازش کند. اما هیچکدام از این سیاستها بسادگی عملی نیست و بحران رابطه

دفاع کرده اند و به آن امید بسته اند. حتی رضا پهلوی که قبلاً از برجام دفاع کرده بود با روی کار آمدن ترامپ و لغو برجام، از این سیاست نیز دفاع کرد و سعی کرد آنرا توجیه کند. با اینکه دولت ترامپ بحثی از تغییر رژیم نکرده است و سیاستش سر میز مذاکره کشاندن جمهوری اسلامی است، اما بحث "رژیم چنج" آمریکائی توسط جریانات راست بار دیگر بشدت داغ شده است. آنچه روشن است دولت ترامپ میخواهد حکومت اسلامی را زیر فشار اقتصادی به زانو در آورد و مجبور کند با سیاستهای دولت آمریکا کنار بیاید. حقیقت اینست که برجام را بیش از همه دولت اوباما با سازمان دادن یک ائتلاف بین المللی ضد حکومت اسلامی و فشار تحریمهای همه جانبه و تهدیدها و فشارهای دیپلماتیک عظیمی به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. بیشترین ضربه را دولت اوباما به جمهوری اسلامی زد و آنرا در سطح بین المللی به غلط کرم انداخت. اما عملاً برجام دستاورد چندانی برای سرمایه داران آمریکائی و سیاستگزاران آمریکائی نداشت. تنها نکته ای که اوباما بعد از امضای برجام بر آن تاکید کرد این بود که ما جلوی سلاح هسته ای در دست جمهوری اسلامی را گرفتیم. اما برجام فقط جلوی سلاح هسته ای را نگرفت بلکه راه جمهوری اسلامی را به بازارهای جهانی نیز بدرجه ای گشود. با باز شدن دروازه ها بروی حکومت اسلامی، این اروپا و روسیه و چین بودند که محصول برجام را (هرچه بود) چیدند یا رسماً میتوانستند بچینند. نفس سر کار آمدن ترامپ میتوان گفت در واقع محصول ناراضیاتی سرمایه داران و سیاستگزاران اصلی آمریکائی از برجام و از برخی توافقات منطقه ای با

# علیه تروریسم اسلامی و حکومت اسلامی

اسلامیست ها در دنیا دفاع کند. همین مورد کفایت که جمهوری اسلامی در سطح جهانی طرد و منزوی شود. کمی بیشتر از ۲۹ سال پیش شاپور بختیار و منشی وی سروش کتبیبه توسط جوخه های مرگ جمهوری اسلامی در پاریس به طور وحشتناکی به قتل رسیدند. اگر همان ۳۰ سال پیش دولت فرانسه و دیگر دولتهای غربی مامشات و سازش با جمهوری اسلامی را پایان میدادند و رژیم اسلامی را بعنوان ستون اصلی تروریسم اسلامی در سطح جهان و الهام بخش تروریست های اسلامی در گوشه و کنار دنیا بایکوت سیاسی می کردند ما شاید امروز شاهد چنین جنایاتی در شهر های مختلف فرانسه و دیگر کشورهای جهان نمی بودیم.

صرفنظر از اینکه جنایاتی که قتل های فجیع فرانسه را مرتکب شده اند از کدام کشور هستند ولی همه تعلیم یافته در مکتب خونینی هستند که جمهوری اسلامی پایه گذار آن بود. جمهوری اسلامی با سرکوب خونین مردم ایران حکومت کشتار و جنایت خود را با حمایت و یا سکوت دول غربی مستقر نمود و سپس تروریسم نوع اسلامی را

## در باره جنایت تازه اسلامی ها در فرانسه و لزوم بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

حسن صالحی



دستان جنایتکار تروریسم اسلامی بار دیگر در فرانسه از مردم بی دفاع قربانی گرفت. اینبار در شهر نیس یک تروریست اسلامی با چاقو در یک کلیسا سه نفر را بنحو فجیعی به قتل رساند. چندی پیش نیز ساموئل پتی، معلم تاریخ یکی از مدارس حومه پاریس توسط اسلامی ها وحشیانه به قتل رسید چرا که ضمن تدریس آزادی بیان یکی از کاریکاتورهای محمدرضا نشان داده بود. این جنایات در حالی اتفاق می افتند که علاوه بر حمایت ضمنی اردوغان از این اعمال تروریستی، مقامات و ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی تحت عناوین

مختلف به توجیه این جنایات و دفاع عملی بیشرمانه از این وحشیگری ها پرداختند. از سوی دیگر خامنه ای که در ایران زبانها را بریده است به جوانان فرانسه ( بخوان اسلامیست های ساکن فرانسه) پیام می دهد و با طرح یک سنوال گمراه کننده می خواهد به آنها اطمینان خاطر دهد که جمهوری اسلامی پشت سر آنهاست. واقعیت امر این است که جمهوری اسلامی در کنار قاتلین ساموئل پتی و سه شهروند دیگر فرانسوی ایستاد. چرا که این حکومت خود بانی اصلی تروریسم اسلامی است و شرمی هم ندارد که از اعمال تروریستی

زمانیکه سر مار یعنی جمهوری اسلامی مورد هدف قرار نگردد هنوز نمی توان از اقدامی جدی علیه تروریسم اسلامی سخن گفت.

جمهوری اسلامی دشمن و قاتل مردم ایران و منبع اصلی تروریسم اسلامی در سطح جهان و یک خطر و تهدید بین المللی است. بایکوت سیاسی، نظامی، فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی یکی از راههای موثر مبارزه با تروریسم اسلامی و از میان برداشتن آن است. بدون چنین اقدامی تروریسم اسلامی باز هم جنایات بیشتری خواهد آفرید.\*

در جهان باب کرد و با بمب گذاری و کشتارهای فجیع به قتل شهروندان اروپایی و مخالفین خود در خارج پرداخت.

اگر از همان آغاز جامعه جهانی در قبال حکومت اسلامی رویکرد دیگری را اتخاذ می کرد، تروریسم اسلامی هیچگاه به این اندازه امکان رشد و نمو نمی یافت تا بتواند در گوشه و کنار دنیا از مردم بی دفاع جان بگیرد. امروز هم راه حل اصلی مبارزه با تروریسم اسلامی خانه گردی و یا "اخراج مسلمانان افراطی" و یا مستقر کردن ارتش در خیابانها نیست. اینها همه تاثیرات خود را می تواند داشته باشد. اما تا

به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت در یک تریبونال بین المللی\*

تسلیماتی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی  
-۵- محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی

همه کشورها  
-۲- قطع رابطه دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی  
-۳- اخراج جمهوری اسلامی از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی  
-۴- بایکوت سیاسی و

## جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنان است!

مردم ایران خواستار اقدامات زیر علیه حکومت اعدام و کشتار در ایران هستند:  
-۱- بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در

## نابود باد جمهوری اسلامی



کنید و ادبیاتش را مطالعه کنید.\*  
به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

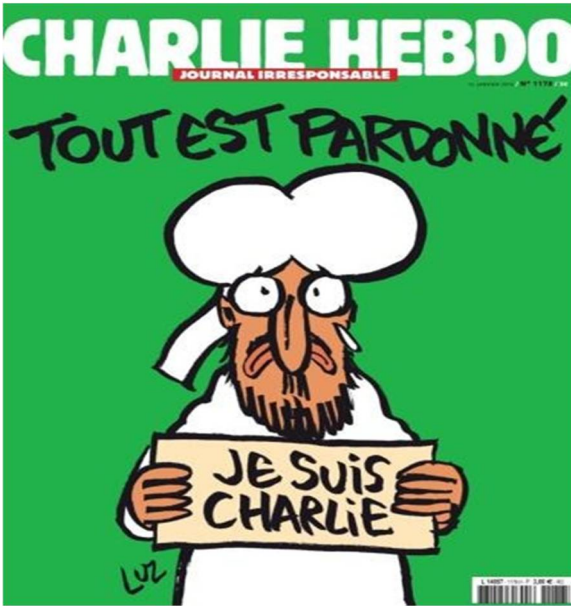
میکند. به این حزب بعنوان یک تشکل سیاسی رادیکال و سازنده اعتماد کنید، رابطه بگیری، تبادل نظر کنید، ایده هایتان را در مورد عرصه های فعالیت خود و یا در جهت بهبود فعالیت حزب با حزب در میان بگذارید. انتقاداتتان را به ما بگویید. بویژه سعی کنید برای شناخت از این حزب نه به شنیده ها بلکه به اسناد واقعی خود این حزب و به پراتیک روزانه آن مراجعه

## صحبت و خطاب ما به فعالین و اکتیویست های جوان!

صحبت ما خطاب به فعالین و رهبران جوان کارگری و اکتیویست های اجتماعی این است که حزب کمونیست کارگری، حزب شما است. آرزوها و خواست های شما را دنبال میکند. صرفنظر از اینکه عضو حزب هستید یا نه و

صرفنظر از اینکه کاملاً این حزب و اهداف و فعالیت هایش باب طبع شما هست یا نه، این حزب به شما تعلق دارد و ایده ها و آرمان های انسانی شما را در جامعه تقویت میکند و موانع فکری ایدئولوژیک در مقابل شما را تضعیف

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.



نیست. کوچکترین انتقاد و افشاگری علیه خامنه ای هم جرم است. کوچکترین انتقادی به حکومت اسلام هم جرم است. افشای جنایاتشان هم جرم است. دفاع از زن و سکولاریسم هم جرم است. تبلیغ بیحجابی هم جرم است. اعتراض به اعدام و شلاق هم جرم است.

واقعیت این است که محمد مساله اصلی جمهوری اسلامی و مقاماتش نیست. مساله اصلی طالبان و داعش و اردوغان و شیوخ کشورهای عربی هم نیست. حفظ این حکومت ها و حفظ ثروت های میلیاردری شان یعنی منافع زمینی اینها مساله است. کاریکاتور کشیدن از محمد را جرم اعلام میکنند تا بتوانند اعتراض مردم به فقر و بیحقوقی و فساد را سرکوب کنند. تا بتوانند جلو انتقاد از خامنه ای و حکومت های اسلامی و اقلیت های مقتحور حاکم را خفه کنند. اگر کاریکاتور کشیدن از محمد آزاد باشد راحت نمیتوان بجرم توهین به خامنه ای و یا حتی کوچکترین انتقادی به خامنه ای آدم ها را گرفت و زندانی کرد.

اما نقطه ضعف این ایدئولوژی و این حکومت هم همین است که در مقابل آزادی بیان بی دفاع است. تا وقتی با سرکوب حریف مردم شود به حکومتش ادامه میدهد اما موقعی که دیگر حریف مردم نمیشود و جلو حرف زدن مردم را هم نمیتواند بگیرد اوضاعش بحرانی و رقیبتر میشود. بیخود نیست که اوباشانش این روزها اینچنین هار شده اند.

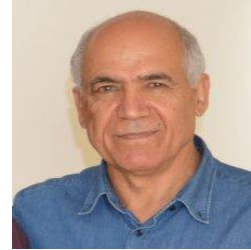
نقطه ضعف این حکومت اسلامی ها بپا خیزد. و این کار مردم انساندوست و آزادیخواه در سراسر جهان است که باید دولت ها را هم مجبور کنند از آزادی بیان دفاع کنند و جنایات هر روزه حکومت های اسلامی و دار و دسته های اسلامی و در راس همه آنها جمهوری اسلامی را محکوم کنند و آنها را هرچه بیشتر تحت فشار سیاسی قرار دهند.\*

دنیا باید علیه وحشیگری

## محمد بهانه است.

### حفظ منافع زمینی مساله است!

حکومتی که کنار قاتلان چارلی ابدو و ساموئل پاتی می ایستد باید بایکوت شود.  
اصغر کریمی



اند و میدهند. چرا که خود الله اکبر گویان سر دهها هزار نفر از مردم معترض را بریده اند و بطرف زناتی که در گودال فرو کرده اند سنگ پرتاب کرده اند و یا دستور اسیدپاشی داده اند. آزادی بیان برای جنینش های تروریستی سمی کشنده است. آنها از کوچکترین آزادی بیان و اندیشه وحشت دارند چون مرگ خود را در آن میبینند. آنها به ضرب گلوله و شمشیر و دار و اسید و شلاق و فتوا و زندان و پاسدار و بسیج زنده اند. فقط کشیدن کاریکاتور پیغمبرشان جرم

خامنه ای، روحانی و سایر تروریست های حاکم بر ایران و همینطور اردوغان و اوباش دیگری در برخی کشورهای دیگر جنایت وحشیانه اسلامی ها در فرانسه را محکوم نکردند اما سکولاریسم و دفاع از آزادی بیان را محکوم کردند. آنها قاتل و عقایدی که به این جنایت منجر میشود را عامل این قتل نمیدانند اما سکولاریسم و دفاع از آزادی بیان را عامل این ترورها معرفی میکنند! چرا که خود سردسته قاتلان اسلامی اند. چرا که خود فتوای قتل داده



انگار که این دریاها از این دولت ها فرمان میگیرند. اینان پشت دروازه های دژهای اروپا و دولت های خیلی "دمکرات" جهان سرگردانند. قاتلین این خانواده ها نمی توانند دست های خونینشان را مخفی کنند.

رسول ایران نژاد و شیوا محمدپناهی ۳۵ ساله و فرزندانانش می توانستند شاد و خوشبخت بی آنکه آوار مصائب و حرمان های بی شمار و اجبارهای بی پایان برسرشان آوار شود، آسوده در آغوش هم باشند! اما سایه شوم حکومتی که فقر و فلاکت و سیاه روزی بر سر جامعه آوار کرده است همه آن ریشه های انس و الفت و تار و پود همه رابطه های دوست داشتنی را چنان از هم می گسند که دیگر راهی جز گریز باقی نمی ماند!

آنچه جان های عزیز بی شماری را به دریاهای آدامخوار هدیه می دهد حکومت های خود کامه و

## دریاهای آدمخوار و رؤیاهایی

### که غرق می شوند

برای خانواده ای که دیگر نیستند.

سیامک بهاری



وجدان های بیدار جهان هنوز از درد بخود می پیچد! برای مرگ هایی جانگناه و مکرر که داغشان بر دل مدام تازه می شود. ایلان، پسرک آبی پوش دوساله از خاطره ها محو شدنی نیست که آنتیا ۹ ساله و آرمین ۶ ساله و آرتین پانزده ماهه را دریای آدمخوار دیگری می بلعد! انگار همه آنچه انسانیت نامیده می شود در دست این امواج له می شود!

تراژدی غرق شدن در دریاها برای فرار ناگزیری که بر میلیونها انسان تحمل می شود بیشک یکی از دردناک ترین فجایع قرن اخیر است. میلیونها انسان پادگریز بی آنکه خود خواسته باشند مجبورند بگریزند و در ناکجا آباد دیگری که نمیدانند کجاست و چیست چون تخته پاره ای بر امواج دریا بگریزند تا شاید در جایی ماوا بگیرند.

بیشمار حکومت اسلامی اند! این جمهوری اسلامی است که از سردشت در کردستان، فراری شان می دهد تا جانشان را دریای مانش بگیرد.\*

بی رحمی اند که مانند جهنمی زیر پای انسان و انسانیت دهان باز کرده اند! آنتیا، آرمین و آرتین به همراه رسول و شیوا، نه اولین هستند و نه آخرین، همه آنها، قربانیان جنایت های

## تروریسم اسلامی و آزادی بیان

این نوشته بر مبنای مصاحبه با

تلویزیون کانال جدید تدوین شده است.



### خلیل کیوان: خبر بریدن

سر معلم تاریخ، ساموئل پتی، در حومه پاریس توسط یک جوان مسلمان چینی تبار جهان را شوکه کرد. این معلم تاریخ در کلاس درس درباره آزادی بیان، کاریکاتوری از پیامبر اسلام را که در مجله "شارلی ابدو" چاپ شده بود به دانش آموزان نشان داده بود. همین کافی بود که حکم قتل او به نحو فجیع بریدن سرش در مقابل مدرسه، صادر و اجرا شود. این قتل فجیع، فرانسه و جهان را تکان داد و پیامدهای بسیاری را بدنبال داشت و به مباحثی دامن زد. از جمله علل و ریشه های وقوع چنین حوادثی، تروریسم اسلامی و آزادی بیان و موضوع دفاع از ارزش های جامعه سکولار و غیره. در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم. دولت ها و جریانات اسلامی مدعی اند که معلم فرانسوی به مقدسات اسلام توهین کرده است. و به این نحو صراحتاً از قتل این معلم دفاع میکنند و یا آنرا توجیه میکنند. در یک طرف دولت ها و جریانات اسلامی و در طرف دیگر مدافعین ارزش های سکولار در سراسر جهان روبروی هم قرار گرفته اند. علاوه بر جمهوری اسلامی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، عمران خان نخست وزیر پاکستان، و وزیر امور خارجه مراکش از جمله کسانی بودند که به مکرون اعتراض کردند. تظاهراتهایی هم از جانب اسلامی ها در کشورهای نظیر بنگلادش و پاکستان برگزار گردید. در طیف مقابل، مردم فرانسه هم در اعتراض به این قتل به

دست نیروهای فوق ارتجاعی و آدمکش اسلامی که دست به چنین جنایتی بزنند و بعد هم بدنیاالش، همانطور که اشاره کردید، دولتهای اسلامی و نیمه اسلامی و دیگر نیروهای متحجر اسلامی حمله به معیارهای سکولار و هرکسی که از آزادی بیان دفاع میکند را آغاز کنند.

یک سوی این ماجرا مدافعین سکولاریسم و مدافعین آزادی بیان و آزاد اندیشی قرار دارند و طرف دیگر نیروهای متحجر و آدمکش اسلامی که میخواهند به زور شمشیر و سر بریدن و غیره مردم را مرعوب کنند. همانطور که آن معلم تظاهر کننده میگوید میخواهند کسی جرات نکند بگوید بالای چشم اسلام ابرو. در این جنگ باید با تمام قوا از جبهه آزادی بیان و سکولاریسم و اته نسیسم قاطعانه حمایت کرد و در مقابل وحوش اسلامی بمیدان آمد.

**خلیل کیوان:** اسلامی ها و برخی جریانات چپ ضد امپریالیست در غرب میگویند اسلام هراسی پایه این نوع اقدامات تروریستی است و یا به آن دامن میزند. آیا حقیقتی در این گفته وجود دارد؟

**حمید تقوایی:** به هیچوجه. به نظر من زنده ای حقیقت در این گفته نیست. اسلام هراسی را عمدتاً نیروهایی که طرفدار نسبیست فرهنگی و مالیتی کالچرالیسم هستند و خودشان را ضد امپریالیست میدانند سر زبانها انداخته اند. واقعیت اینست که نیروهای اسلامی مدتهاست در دنیا دارند جنایت میکنند. این اولین جنایت اسلامیستها نیست. ترورهایی که در همین فرانسه اتفاق افتاد، در انگلیس و در تعدادی کشورهای دیگر اتفاق افتاد را همه بیاد داریم.

اما مساله تنها به تروریسم در غرب محدود نیست. در خاورمیانه و در خود جوامع اسلامزده این نیروهای اسلامی زندگی را بر مردم جهنم کرده اند. یک نمونه حکومت جمهوری اسلامی است که تروریسم اش را علیه خود مردم ایران بکار گرفته است. علیه مردم منطقه، در سوریه و در عراق و در لبنان و در جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته

به آن جنایتهایی می آفرینند که در دنیا بی سابقه است. کدام اسلام هراسی؟ مردم حق دارند از این نیروهای وحشی در هراس باشند اما نباید مرعوبیشان شد. باید در مقابلشان ایستاد و اعتراض کرد و آنها را به عقب راند. اسلام سیاسی را باید از زندگی بشر قرن بیست و یکم جمع کرد. باید نیروهایی که به بهانه دفاع از مقدسات و غیره به هر جنایتی دست میزنند کنار زده شوند.

در قوانین اسلامی کشتار مرتدین و از دین برگشتگان و "توهین کنندگان" به محمد واجب شمرده شده است. فراموش نکرده ایم که خمینی فرمان قتل سلمان رشدی را به جرم نوشتن یک کتاب صادر کرد. امروز هم به جرم کشیدن یک کاریکاتور میکشند و سر میبرند. و شمشیر در هوا میچرخانند و عریبه میکشند. این جنایت هیچ ربطی به "اسلام هراسی" ادعائی مردم کشورهای غربی ندارد. بخاطر اسلام هراسی این نیروها افسار پاره نکرده اند، برعکس است. اسلاميون چنان کشتار و جنایتی در دنیا، در کشورهای غربی و در خاورمیانه و در کشورهای اسلامزده براه انداخته اند که مردم دیگر نمیتوانند تحمل کنند. در مقابلشان ایستاده اند و میگویند باید این بساط را جمع کرد.

سکولاریسم و نقد اسلام ناشی از اسلام هراسی نیست بلکه پرچم مقابله با اسلامیستها است. هر کس هر مذهبی دارد امر خصوصی خودش است ولی هیچکس نباید حق داشته باشد به بهانه دفاع از مذهب به هر جنایتی دست بزند.



اسلامیستها جریانات سیاسی تروریست و آدمکشی هستند که دنیا را عرصه تاخت و تاز خودشان قرار داده اند و هر کسی که مذهب آنها را نقد کند و یا کاریکاتوری بکشد و رمان انتقادی ای بنویسد را تهدید به قتل میکنند و یا بقتل میرسانند. جریانات اسلامی هیچ نوع سکولاریسم، هیچ نوع مدرنیسم، هیچ نوع دفاع از آزاد اندیشی و آزادی بیان را تحمل نمیکند. مردم دنیا حق دارند علیه این توحش بمیدان بیایند و خواهان جمع کردنش از زندگی اجتماعی بشوند. این اسلام هراسی نیست، دفاع از مدنیت در مقابل توحش است.

**خلیل کیوان:** برخی از نیروهای لیبرال و حتی چپهایی که خود را سکولار میدانند معتقدند آزادی بیان شامل اهانت به عقاید و مقدسات افراد نمیشود و مشخصاً نباید به اسلام توهین کرد. در این مورد چه نظری دارید؟

**حمید تقوایی:** آزادی بیان به معنی دفاع از هر عقیده ای نیست. به افراد نباید توهین کرد ولی یک رکن آزادی بیان آزادی انتقاد از عقاید است. ما برای هر عقیده ای احترام قائل نیستیم. به عقاید خرافی و مذهبی و مقدساتی که انسانها رایبه نام دفاع از آنها قربانی میکنند نه تنها نباید احترام گذاشت بلکه باید آنها را به نقد کشید.

همه ادیان در دفاع از مقدساتشان در طول تاریخ جنایت کرده اند. در قرون وسطی در اروپا مسیحیت مرتدین و "توهین کنندگان" به مسیح را زنده زنده در آتش میسوزاند، و امروز

## گرامی باد یاد خیزش آبان

**فریاد اعتراض مردم در آبان و دی ماه ۹۸:**

- ۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ما
  - سپاه جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند
  - دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی
  - سلیمانی قاتله، رهبرش هم قاتله
  - تنگ ما، تنگ ما، رهبر الدنگ ما
  - فرمانده کل قوا، استعفا، استعفا
  - جمهوری اسلامی نابود باید گردد
- آبان ادامه دارد ...**



حکومت از نشان دادن این طبقه و این اقشار به همدیگر و به حکومتشان به عنوان خطری هراسناک خسته نمیشوند.

محتوای رادیکال و شکل تعرضی تر:

در ۸۸ "رای من کو" به شعار "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است" تبدیل شد. ۹۶ همراه شعار "اصلاح طلب اصولگرا" دیگه تمومه ماجرا" عملا با نشانه گرفتن عملی کل رژیم پایان یافت. ۹۸ فوراً بدون فوت وقت همه ارکان اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی حکومت اسلامی را به مصاف کشید. بانکها به مثابه مراکز بالاکشیدن و انتقال ثروت جامعه به دفا تر امام جمعه ها و نمایندگان خامنه ای به مثابه جلوه های اصلی اسلام سیاسی در قدرت، مراکز سپاه و بسیج به مثابه ارگانهای سرکوب و امنیت حکومت و بالاخره نگین انگشتر خمینی و تمثال خامنه ای و روحانی به مثابه سردزدان حاکم و سلبهای حکومت اسلامی به آتش کشیده شد. و بالاخره جنبشی که در خیابان با تانک و تیربار و هلیکوپتر سرکوب میشد نبردش را به محلات کشید

ادامه در صفحه ۹

طبقه متوسط با حکومت شد که با اعتراض به "رای من کو" شروع کردند و به "کل رژیم نشانه است" رسیدند.

۹۶ و ۹۸ اما با حضور گسترده اقشاری آغاز شد که مساله شان نه فقط آزادی سیاسی و خلاصی فرهنگی و آزادی بیان بلکه در کنار آنها و در عین حال رهایی از فقر بود. این دو قیام هم علیه فقر بود و در عین حال علیه استبداد و ارتجاع فرهنگی. قیامی بود علیه میلیاردهای حاکم و همه ارکان سیاسی و قضایی و مذهبی و امنیتی پاسدار این طبقه قیامی بود علیه کلیت حکومت اسلامی.

یک دلیل مهم این گستره وسیعتر اهداف ۹۶ و ۹۸ به خاطر حضور فعال اقشار متعلق به طبقه کارگر بود که همه این محرومیتها را باهم در کنار محرومیت و فقر اقتصادی نمایندگی میکردند. زنان و مردان و جوانان کارگر را در کنار سرکوب سیاسی و فرهنگی، تبعیض جنسیتی و عقیدتی، سفره خالی و گرسنگی و خطر مرگ از گرسنگی هم تهدید میکند. اینها تبلور همه محرومیتها و همه تبعیضا و همه ستمها و همه جنایتهای طبقه حاکم یکجا هستند. چیزی ندارند از دست بدهند جز زنجیرهایشان. بی دلیل نیست که استراتژیستهای

از ۷۸ که جنبش توده ای برای سرنگونی آغاز شد تا ۸۸ ده سال طول کشید. اما از ۸۸ تا کنون، اعتصابات کارگری وسیعتر و تعرضی تر و رادیکالتر، فاصله زمانی میان اعتراضات مردم کوتاه تر، ابعاد جغرافیایی اعتراضات گسترده تر، نیروهای طبقاتی اعتراضات متفاوت تر، مضمون سیاسی اعتراضات عمیقتر و اهداف بلافاصله اش رادیکالتر شده است. آبان ۹۸ یک حلقه بسیار مهم این روند بود و شرایط بعد از ۹۸ هم نشان داد که این روند ادامه خواهد داشت. کوتاه شدن فاصله ها:

از آغاز جنبش سرنگونی در ۱۳۷۸ تا تظاهرات میلیونی ۸۸ ده سال بود. ۸ سال بعد قیام دیماه ۹۶ رخ داد. دو سال بعد قیام آبان ۹۸. این بار نه حتی یک سال بلکه درست دو ماه بعد، در دی ماه همان سال حکومت اسلامی در هوا به یک قتل عام موشکی فجیع دست زد و مردم با یک اعتراض وسیع در زمین با شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" به سراخ حکومت رفتند. گسترده شدن ابعاد جغرافیایی:

۷۸ جنبشی بود که اساسا در تهران متمرکز شد. ۸۸ نتوانست بسیار از تهران فراتر برود. ۹۶ اما برعکس بیشتر از تهران کل ایران را در بر گرفت. ۹۸ نه تنها تقریبا کل ایران را بر گرفت بلکه به شهرستانها و خیابانها و میدانی مرکزی هم محدود نشد. ۹۸ از همان اول کل رژیم را در تعداد بسیار گسترده ای از استانها و شهرها و بخشها و محلات و هزاران نقطه در کل ایران به مصاف کشید. ۹۸ تمرینی بود برای به هم آمیختن رودخانه های خشم و خروش مردم در اقصی نقاط ایران و تبدیل آن به سیلی خروشان که بتواند عمارت اسلامی را تماما و از بیخ و بن نابود کند. نیروهای طبقاتی متفاوت تر و متنوعتر:

۷۸ صحنه اعتراض دانشجویی علیه رژیم شد که از دانشگاه فراتر رفت. ۸۸ تهران به صحنه رویارویی اقشار مختلف مردم مخصوصا زنان و جوانان

## در سالگرد قیام ۹۸ و در آستانه قیامی قدرتمندتر!

محسن ابراهیمی



تقصیر فقر و فلاکت و بی حقوقی را به گردن هم میاندازند، گروههای ضربت "محله محور" تشکیل میدهند، و در برنامه های صبحگاهی تلویزیونی مانورهای نقاب پوشان سپاهپوش برای مقابله با دشمن راه میاندازند که مثلا مردم را بترسانند. همه اینها اقداماتی برای هراس افکنی توسط کسانی است که خود به هراس افتاده اند.

دلیل پایه ای تر بر این حقیقت که ۹۸ شکست نخورده است این است که شکست یک جنبش نیروهای دخیلش را نه فقط به خانه میفرستد بلکه کل معادله سیاسی، روانی و عاطفی جامعه ای بپا خاسته را - برای مدتی طولانی - تماما زیر رو رو میکند. شکست یک جنبش به پاس و ناامیدی و انزوا و انفعال نیروهای فعالش منجر میشود و در کل جامعه همه چیز وارونه میشود: ترس به جای جسارت، یاس به جای امید، افسردگی به جای شادابی، ضعف به جای قدرت و بالاخره انفعال و تسلیم به جای فعالیت برای تغییر می نشیند. عزم مقابله با دشمن برای مدتی هم که شده پایان می یابد. ایران پسا ۹۸ نه تنها چنین نبوده و نیست بلکه تماما برعکس بوده و هست. اعتراضات کارگری گسترده تر شده اند، جنبش داخواهی وسیعتر شده است، جنبش علیه اعدام همچنان پیش میرود، اعتراض علیه حجاب اجباری هر روز نیروی بیشتری میگیرد و کلا مردم قصد ندارند ساکت بنشینند و تباهی بیشتر زندگیشان را نظاره کنند. روند رادیکالتر شدن اعتراضات

یکسال از قیام آبان ۹۸ گذشت. قیامی که یک هدف داشت و بس: پایان دادن به حیات هیولایی چهل ساله. قیام ۹۸ پیروز نشد به این معنا که به هدف بلافاصله اش - سرنگونی حکومت اسلامی - نرسید. اما شکست هم نخورد. نه تنها شکست نخورد بلکه بی تردید با قدرتی به مراتب سهمناکتر، با آمادگی به مراتب بیشتر و با عزمی به مراتب راسختر باز خواهد گذشت. باز خواهد گشت تا کار ناتمام ۹۸ را به به پایان برساند.

اعترافات ایدئولوژیک- سیاسی و استراتژیستهای خود نظام اسلامی و همدارهایشان در باره طوفانی بزرگتر روشنترین دلیل برای اثبات این ادعاها هستند. مهم نیست که خامنه ای آنها پنج روز از ۲۴ آبان از سوراخش بیرون خزید و باد به غیغ انداخت که بعله در همه "عرصه های جنگ نظامی و سیاسی و امنیتی دشمن را عقب زدیم"، مهم این است که همین پنج روز خزیدنش به سوراخی نامعلوم خود نشانه ای از بزرگی خطری بود که تا اطلاع ثانوی از آن قسر در رفته اند. مهم این است که بعد از این به اصطلاح "عقب زدن" بود که سران و استراتژیستهای حکومت یکی پس از دیگری به همدیگر خطر شورش "گرسنگان" و "پابرهنگان" را یادآوری کردند و همدار دادند که "ما همه در یک کشتی هستیم و باهم غرق خواهیم شد." و دقیقا به خاطر کابوس قیامی توفنده تر است که در آستانه سالگرد قیام ۹۸ به همدیگر هشدار میدهند،

## تروریسم اسلامی و آزادی...

اسلامیستها این توحش را نمایندگی میکنند. میخواهند همان بساط قرون وسطایی را در قرن بیست و یکم براه بیاندازند. اصل آزادی بیان دقیقاً به این معنی است که هر کس حق داشته باشد جهل و تحجر و خرافات و تعصبات و مقدسات مذهبی را به نقد بکشد. و به هر شیوه ای که میخواهد به نقد بکشد. با بحث فلسفی و علمی و یا با رمان و کاریکاتور و فیلم و نمایش و موزیک و هجو و طنز. اینها همه جزئی از آزادی بیان به معنی وسیع کلمه است.

اساساً مبارزه برای آزادی بیان از مبارزه علیه مذهب آغاز شد. در قرون وسطی در اروپا کلیسا حکم میراند و همه چیز را تحت انقیاد خودش گرفته بود و اجازه نمیداد نه تنها نقد مذهب بلکه علم و حقیقت علمی و کوچکترین تبیین و تفسیری از دنیا که با عقاید کلیسا و مسیحیت باشد مغایر باشد بیان شود و پا بگیرد. کلیسا وحشیانه بر آزاد اندیشان میتاخت، بعنوان مرتد و جادوگر و کافر میکشت و میسوزاند و دمار از روزگار مردم درآورده بود، جلوی علم و هر پیشروی فکری و نوآندیشی را سد کرده بود و همه این جنایات هم تحت عنوان مقابله با توهین به مقدسات و خدا و پیغمبر انجام میشد. در برابر این وضعیت در جنبش رنسانس و در

جنبش روشنگری اصل آزادی بیان مطرح شد. پیشروان آن دوره اعلام کردند هر کس حق دارد هر چه را به نقد بکشد و جواب استدلال را باید با استدلال داد و نه با زور و کشتار. اعلام کردند کسی حق ندارد حقیقت را توهین آمیز تلقی کند و گردن بزند و شلاق بزند و به آتش بکشد. نه تنها تاریخا بلکه

امروز هم دفاع از آزادی عملاً به معنی دفاع از نقد مذهب است. مذهبها در تمام طول تاریخ آزاد بوده اند که سر منبر و محراب و کلیسا و مسجد و غیره هر چه میخواهند علیه مخالفین دین و آله نیستها بگویند و نه تنها خرافات مذهبی را اشاعه بدهند بلکه بزنند و بکشند و سر ببرند. در تمام طول تاریخ این بساط بر پا بوده. بعبارت دیگر مذهبها همیشه آزادی بیان داشته اند. دفاع از آزادی بیان یعنی دفاع از حق بیان مخالفین و منتقدین مذاهب. منتقدین مذهب هم باید مانند مذهبها حق داشته باشند نظراتشان را اعلام کنند و رمان بنویسند و فیلم بسازند و شعر بگویند و کاریکاتور بکشند و طنز و هجو بکار ببرند. باید بشریت حق داشته باشد علیه مذهب و هر نوع مقدساتی- مقدسات و تعصبات و دگم ها و تابوهای ملی و نژادی و قومی و اخلاقی و غیره- به هر وسیله ای که میخواهد خود را بیان کند. این جوهر آزادی بیان است. کسی جلوی دهان مذهبی ها

را نگرفته. اسلامی ها و ادیان دیگر مدام دارند نظراتشان را تبلیغ میکنند و حتی در بسیاری کشورها دولتها از آنها حمایت مالی میکنند و به آنها تربیون میدهند. معنی عملی و واقعی آزادی بیان یعنی حق نقد و مخالفت با مذهبها. امروز کسانیکه میگویند آزادی بیان شامل "توهین" به مذهب نمیشود در واقع آزادی بیان را از مضمون و فلسفه وجودی اش تهی میکنند. بدون نقد مقدسات آزادی بیان معنائی ندارد.

**خلیل کیوان:** تروریسم اسلامی فقط مشکل فرانسه نیست. دیگر کشورهای اروپایی هم با این معضل روبرو هستند. گتوهای از مهاجرین در برخی کشورهای غربی شکل گرفته است. فقر و تبعیض در این گتوها بیداد میکند. آیا رابطه ای بین فقر و بیحقوقی مهاجرین و تروریسم اسلامی در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد؟

**حمید تقوائی:** به نظر من فقر و تبعیض زمینه ای بوجود آورده است ولی ریشه تروریسم اسلامی فقر و تبعیض نیست. فقر و تبعیضاتی که اشاره کردید همیشه وجود داشته است. منتها قبل از اینکه جریانات اسلامی سر بلند کنند و منتها قبل از آنکه خمینی و طالبان و غیره را دنیا بشناسد فقر و تبعیض بوده و شورش و عصیان علیه آن هم وجود داشته. در همین دهه اخیر در انگلیس و در خود فرانسه، جنبش جلیقه زردها و چند سال قبل از آن در خیزش حاشیه نشینان پاریس، مردم علیه فقر شورش کردند و با وجود آنکه بخش عمده آنها مهاجرین از کشورهای اسلامزده بودند از اسلام و اسلامیسیم و سربریدن و غیره هم خبری نبود. در ایالتهای آمریکا هم متناوباً شاهد چنین شورشهایی بوده ایم که باز ربطی به اسلامیسیم نداشته است. ریشه افسار گسیختگی امروز جریانات اسلامی فقر نیست بلکه جنبش اسلام سیاسی است که اساساً توسط خود دولتهای غربی بجلو رانده شد. هم خمینی در ایران و هم طالبان در افغانستان اساساً با حمایت صریح دولتهای غربی و

حتی با معماری آنها- طالبان تماماً دست ساز پنتاگون بود- روی کار آمدند. این جریانات را آن زمان در مقابله با نفوذ شوروی بجلو راندند؛ در افغانستان تحت نفوذ شوروی و در ایرانی که میترسیدند بعد از سقوط حکومت شاه در حیطه نفوذ شوروی قرار بگیرد. به این ترتیب دو شاخه اصلی اسلام سیاسی را دولتهای غربی وارد سیاست کردند. بعد از فروپاشی شوروی همین نیروهای اسلامی افسار پاره کردند و امروز باعث دردسر این دولتها در پایتخت های غربی شده اند. بنابراین بحث فقط بر سر مذهب بعنوان عقاید فردی نیست. بحث بر سر جنبش اسلام سیاسی است. یعنی جنبشی که میخواهد اسلام و قوانین وحشیانه اسلامی را بر جوامع حاکم کند، میخواهد قصاص و شلاق و قوانین بردگی جنسی علیه زنان را پیاده کند و در هر کشوری که مثل ایران حاکم شده است دمار از روزگار مردم "مسلمان" همان کشور درآورده است. امروز در ترکیه اردوغان هم تلاش میکند قوانین اسلامی را جاری کند و خیال احیای امپراتوری عثمانی را در سر میپروراند.

ریشه اساسی به نظر من این جنبش ضد انسانی و وحشیانه و تروریستی اسلامی است. جنبشی که در کشورهای مثل ایران دولت را در دست گرفته است و در جاهاتی در شکل احزاب و نیروهای اسلامی نظیر حزب الله در لبنان ابراز وجود میکند و با بصورت دار و دسته های مسلح در عراق و یمن و سوریه مشغول کشتار و فاجعه آفرینی است. این اساس مساله است. این نیروهای اسلامی طبعاً تلاش میکنند در میان مهاجرین از کشورهای اسلامزده که در کشورهای اروپایی در حاشیه شهرها زندگی میکند و فقر زده اند و از حقوق اجتماعی محروم هستند نفوذ پیدا کنند ولی از این لحاظ موفقیتی نداشته اند. من ندیدم که در این عملیات تروریستی چه جمهوری اسلامی و چه دولت ترکیه و یا دولتهای اسلامی دیگر مستضعف پناهی کنند و سنگ مهاجرین فقیر را به سینه بزنند و یا بر عکس

از جانب آنها حمایت بشوند. تعرض آنها اساساً حول هتک حرمت از پیامبر اسلام و اهانت به مسلمانان است. گفتمانشان این است. یعنی حتی در رتوریک و در تبلیغات هم ما شاهد مستضعف پناهی از جانب این جریانات نیستیم. تروریسم اسلامی در واقع یک جریان سیاسی است که با ادعای دفاع از اسلام از دولتهای غربی میخواهد دست از سکولاریسم بکشد و از آنها میخواهد که برای مسلمانان حساب ویژه باز کنند.

**خلیل کیوان:** شما اشاره ای کردید به اینکه طالبان و خمینی به کمک دولتهای غربی روی کار آمدند. در این مورد اسناد متعددی منتشر شده. چندی پیش هیلاری کلینتون در کتابی که منتشر کرد صریحاً اعلام کرد طالبان دستپخت خود ما است. اخیراً کارتر اظهار نظری کرده مبنی بر اینکه در جریان انقلاب ۵۷ ایران، با انگلیس رایزنی کردند و به این نتیجه رسیدند که خمینی و اسلامی ها را در مقابل انقلاب ایران مورد حمایت قرار بدهند. سؤال اینست که چرا در چند دهه گذشته اسلام و تروریسم اسلامی در غرب رشد کرده است؟ سیاست های دول غربی و نقش دولت ها و جریانات اسلامی در رشد اسلام گرای و تروریسم اسلامی چیست؟

**حمید تقوائی:** نقش دولتهای غربی به این محدود نبود که فقط خمینی یا طالبان را علم کنند. اینها ریشه های اساسی شکل گیری تروریسم اسلامی است ولی نقش دولتها فقط این نبود. بلکه در ادامه هم دولتهای غربی همچنان با نیروهای اسلامی و مشخصاً با جمهوری اسلامی کنار آمدند و در سیاستهای خود آنها را جا دادند. دولتهای غربی هیچ زمان نه تنها از سکولاریسم در کشورهای اسلامزده دفاع نکردند بلکه برای اعمال نفوذ و پیشبرد سیاستهایشان دولتها و نیروهای اسلامی را بکار گرفتند.

البته سکولاریسم در خود غرب هم، بجز فرانسه که تا حدی از این لحاظ کارنامه بهتری دارد، زیاد

**برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:**

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس اپ: +۹۰ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi\_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)



## تروریسم اسلامی و آزادی...

جدی گرفته نمیشود. ولی در هر حال دولتهای غربی حتی همین سکولاریسم نیم بند را هم شامل کشورهای خاورمیانه نمیدانند. بلکه بر عکس تلاششان این بوده است که نیروهای مذهبی-قومی را بجلو برانند. عراق نمونه بارزی است. در عراق یک دولت تماما قومی مذهبی روی کار آوردند. حتی تقسیم پست کردند و ریاست جمهوری را به کردها و نخست وزیری را به شیعه ها و ریاست مجلس را به سنی ها سپردند. در افغانستان هم دوباره دارند با طالبان به توافق میرسند. میخواهند دوباره طالبان را حاکم کنند.

میخواهم بگویم در سیاست همچنان حساب باز کردن روی نیروهای اسلامی را دول غربی ادامه داده اند. و به این ترتیب جنبش اسلام سیاسی پس از سقوط شوروی هم کماکان رشد و گسترش پیدا کرده است. و از آن طرف هم از نیروهائی که خودشان را چپ مینامند ولی عملا در کنار راست ترین نیروها قرار میگیرند بعنوان مبارزه با امپریالیسم از حسن نصرالله و جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی دفاع میکنند. مجموعه این شرایط باعث شده است که جنبش اسلام سیاسی هنوز بتواند فعال باشد و دست به چنین جنایتهائی بزند.

باید تروریسم اسلامی را از سرچشمه خشکاند. دولتهای غربی باید از سکولاریسم نه تنها در کشور خودشان بلکه در کشورهای اسلامزده فعالانه حمایت کنند؛ جنایت دولتهای اسلامی مثل جمهوری اسلامی را نه تنها در غرب بلکه علیه مردم در خود کشورهای تحت حاکمیت اسلاميون، یا تحت فعالیت و نفوذ آنها، محکوم کنند و خواهان محاکمه آنها بشوند. ما مدتهاست خواستار بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی هستیم. این را باید در مورد تمام دولتهای اسلامی که رسماً و علناً و حتی عملاً و غیر مستقیم از تروریسم اسلامی دفاع میکنند اعمال کرد. جمهوری اسلامی یک رکن مهم تروریسم اسلامی در ایران و در منطقه و در دنیا هست و باید از جامعه جهانی طرد بشود. مطمئن باشید اگر دولتهای غربی بجای ماماشات و کنار آمدن با دول و نیروهای اسلامی، سیاست دفاع از جوامع سکولار و دولتهای سکولار را در پیش می گرفتند کار به اینجا نمیکشید. دولتهای غربی که سازش کردند، ماماشات کردند، کنار آمدند، و از سوی دیگر هم جریاناتی که فکر میکنند با دفاع از "فرهنگ اسلامی" و حمله به "اسلام هراسی" دارند با امپریالیسم مبارزه میکنند، عملاً از تروریسم اسلامی

دفاع میکنند و نتیجه این هست که متأسفانه امروز شاهد آن هستیم.

**خلیل کیوان:** مکرون در دفاع از ارزش های جمهوری فرانسه اعلام کرده است که در مقابل اسلامی ها کوتاه نخواهد آمد. او تاکید کرد که یک سلسله اقدامات سیاسی، قضایی و حقوقی و امنیتی و آموزشی را در دستور خواهد داشت نظیر عملیات ضد تروریستی، تهیه لیست مظنونین تروریستی، کنترل مساجد و امامان جمعه وارداتی و بودجه آنان و از طرف دیگر آموزش کودکان از سه سالگی و کنترل کلاس های آموزش عربی و غیره. آیا این اقدامات در مقابل اسلام سیاسی کافی است؟

**حمید تقوایی:** این اقدامات در هر حال مثبت است ولی جواب جنبش اسلامی نیست.

مهاجرین از کشورهای اسلامزده به فرانسه مدتهاست در این کشور ساکن هستند در حالیکه تروریسم اسلامی در دو سه دهه اخیر بعد از بجلو رانده شدن اسلام سیاسی در خاورمیانه سر بلند کرده است. مساله را باید سیاسی و فراتر از یک کشور معین دید. ریشه مساله سیاستهای خود دولتهای غربی است. این دولتها نه تنها عامل بجلو راندن نیروهای اسلامی در برابر شوروی در چهار دهه قبل بودند بلکه همانطور که اشاره کردم تا همین امروز همان سیاستها را به طرق مختلف و با ماماشات با نیروها و دولتهای اسلامی دارند به پیش میبرند.

یک وجه قضیه عقب نشستن کل بورژوازی جهانی از معیارهای جامعه مدنی و جا باز کردن برای مذهب و قومگرایی در جوامع موزائیکی است. این جهنگیری عمومی دولتهای غربی پس از پایان جنگ سرد است. در حالیکه بر مبنای ابتدائی ترین موازین مدنیت و سکولاریسم و جوامع مدنی که زمانی انقلاب کبیر فرانسه نمایندگی میکرد نباید نیروها و دولتهای اسلامی جایی در دنیای امروز میداشتند.

از آقای مکرون باید پرسید که آیا هنوز زمان آن نرسیده است که جمهوری

اسلامی را بایکوت کنید؟ و بخواهید که از نظر سیاسی و دیپلماتیک و فرهنگی و ورزشی از مجامع بین المللی اخراج بشود؟ آیا وقت این نیست که در سازمان ملل قطعنامه ای تصویب کنید که جمهوری اسلامی از این سازمان اخراج شود؟ آیا نباید جمهوری اسلامی از آی ال او، سازمان جهانی کار، اخراج بشود؟ آیا نباید به فستیوالهای سینمایی و نمایشگاه کتاب و دیگر مناسباتهای فرهنگی و هنری راه پیدا نکند؟ آیا وقت این نیست؟ آیا نباید با دولتها و نیروهای اسلامی به مقابله سیاسی پرداخت؟ بله، از نظر ارزشهای لائیک و سکولار و ارزشهای اتمه نیستی باید آموزش داد و با خرافات مذهبی مقابله فرهنگی و روشنگری کرد ولی مساله این نیست که ناگهان مسلمانان خواب نما شدند و دیگر توهین به عقایدشان را تاب نمی آورند و تحمل نمیکند و سر میبرند. این را به حساب مردم مسلمان یا منسوب به اسلام نباید نوشت. این را باید به حساب جریانات اسلامی، نیروها و دولتهای اسلامی ای نوشت که پرچم اسلام سیاسی را بلند کرده اند. بعنوان نمونه امروز حجاب و برقع در کشورهای غربی بیشتر از گذشته به چشم میخورد. قبلاً هم بخشی از زنان مسلمان حجاب بر سر میکردند ولی این مد شدن امروزی حجاب ناشی از اعتقادات زنان مسلمان نیست، بلکه پرچم یک جنبش سیاسی است که میخواهد با قوانین و اخلاقیات کپک زده اسلامی و با ترور و ارباب خود را به دنیا تحمیل کند. این یک نوع ادعا، یک نوع تعرض، یک نوع حمله به ارزشهای تمدن قرن بیست یکمی هست با اتکا به اسلام ۱۴۰۰ سال قبل و قرآن و تاجر و عقب ماندگی متناظر با آن. این یک جریان و جنبش سیاسی است و باید هر دولت و نیروئی که مدعی دفاع از سکولاریسم و مدنیت است در برابر آن بایستد. باید دولتهای غربی مدافع سکولاریسم در خاورمیانه هم باشند. باید دولتهای اسلامی نظیر جمهوری اسلامی، که همین جنایتهائی که هر چند ماه

یک بار در کشورهای غربی اتفاق می افتد را هر روز در کشور خودشان مرتکب میشوند، از جامعه جهانی طرد بشوند. ما مدتهاست اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنان است و نباید برسمیت شناخته بشود. باید به رژیم اسلامی در ایران بعنوان عامل جنایت علیه بشریت برخورد بشود. در قبال دولتها و نیروهای اسلامی دیگر هم باید همین سیاست را داشت.

البته دولتهای غربی نمیخواهند و منافعشان اجازه نمیدهد که در برابر دولتها و نیروهای اسلامی بایستند اما من معتقدم با اتکا به قدرت مردم در خود کشورهای اسلامزده مثل قدرت اعتراضات توده ای مردم در ایران و اعتراضات مردم عراق و لبنان علیه نیروهای اسلامی و همچنین با اتکا به نیروهای سکولار و آزادیخواه و افکار عمومی مردم در کشورهای غربی میتوان دولتها و مجامع بین المللی را وادار کرد که موضع قاطع و محکمی علیه دولتهای اسلامی اتخاذ کنند.

یک جنبه تقابل با نیروهای اسلامی جنبه قضائی حقوقی است. باید هر دولت و نهادی که مدعی دفاع از حقوق بشر است خواستار محاکمه نیروها و دولتهای اسلامی باشد. معلوم نیست اسلامها باید دیگر چه جنایتی بکنند که بشود علیه شان اقامه دعوا کرد. ببینید جمهوری اسلامی تنها در یک سال اخیر مرتکب چه جنایتهای دهشتناکی شده است. کوس رسوائی این رژیم در دنیا به صدا درآمده و همه از جنایتهای این حکومت، از کشتار ۱۵۰۰ نفر در آبان ۹۸ تا شلیک عامدانه به هواپیمای مسافربری و تا اعدامهای سیاسی که مورد آخراش اعدام نوید فکاری بود، آگاه هستند ولی هیچ دولتی خواستار محاکمه سران جمهوری اسلامی نیست. هیچکس نمیگوید کسانی مثل خامنه ای و روحانی و سران رژیم ترور و کشتار در ایران باید به محاکمه کشیده بشوند. راه حل اینجاست.

**KANAL DIDAR**  
**کانال جدید**

**فرکانس تلویزیون کانال جدید**

**ماهواره یاه ست**

**فرکانس : 11766**

**پولاریزاسیون : عمودی**

**سیمبل ریت : 27500**

**اف ای سی : 7/8**



## تروریسم اسلامی و آزادی...

باید سر اژدها را کوبید و سر اژدها جمهوری اسلامی است.

تنها با این تعرض سیاسی و قضائی میشود مساله را حل کرد. عقاید اسلامی، اینکه مثلا در کلاسهای عربی در فرانسه به دانش آموزان چه یاد میدهند و غیره بحث دیگری است. باید آموزش و پرورش سکولار باشد، نباید هیچ مذهبی، اسلام یا مسیحیت یا هر دین دیگری به مدارس راه پیدا کند، باید در سطح جامعه از نظر فرهنگی به خرافات مذهبی مقابله کرد و غیره. ولی این استانداردها و قوانین لائیک و پیشرو باید در جوامعی نظیر ایران و یا در عربستان و ترکیه و افغانستان و سومالی و دیگر کشورهای اسلامزده نیز پیاده بشود و این امر تنها با تعرض سیاسی و حقوقی-

قضائی به دولتها و نیروهای اسلامی امکان پذیر است.

**خلیل کیوان:** در اعتراض به سخنان امانوئل مکرون، رییس جمهوری فرانسه، در دفاع از آزادی بیان و کاریکاتورهای پیامبر مسلمانان، کاردار فرانسه در تهران به وزارت امور خارجه ایران احضار شد. سپاه پاسداران مکرون را «رییس‌جمهور بی‌خرد و ماجراجوی فرانسه» نامید. کیهان شریعتمداری، شمعدانی و غیره هم وارد گود شدند. رئیس تشخیص مصلحت نظام آیت الله لاریجانی مکرون را محکوم کرد و بر همراهی مسلمانان جهان در مقابله با این اسلام ستیزی ها تاکید گذاشت. آیا به نظر شما جمهوری اسلامی میتواند از این شرایط به نفع موقعیت

خود در میان نیروهای اسلامی استفاده کند؟

**حمید تقوائی:** به نظر من جمهوری اسلامی ضعیف تر از آن است که با این نوع تبلیغات و های و هوی ها بخواد موقعیتی برای خودش کسب کند. ببینید این دوره خمینی و فتوا علیه سلمان رشدی نیست. امروز جمهوری اسلامی از هر نظر تضعیف شده است. رژیم در خود ایران با چالش بزرگی از طرف مردم روبروست. ما شاهد شورشهای شهری هستیم که هر یک یا دوسال یک بار اتفاق می افتاد، جامعه در عرصه های مختلف علیه حکومت به حرکت درآمده است، در منطقه موقعیت حکومت در اثر جنبش توده ای مردم در عراق و در لبنان که خواست اخراج جمهوری اسلامی و قطع دست نیروهای اسلامی از کشورشان را مطرح میکنند بسیار تضعیف شده است، از نظر اقتصادی حکومت کاملا ورشکسته است،

دزدی و فساد مقامات و آیت الله های میلیاردی در جامعه بیداد میکند و غیره و غیره مجموعه این شرایط اجازه نمیدهد که رژیم با پرچم رنگ پریده دفاع از مقدسات اسلامی موقعیتی برای خودش دست و پا کند. به نظر من این اظهار لحنیه هایی که به آن اشاره کردید برای خالی نبودن عریضه است.

کلا نیروها و دولتهای اسلامی نمیتوانند با این نوع اسلام پناهی ها موقعیت خود را مستحکم کنند. الان مثلا اردوغان تند تر علیه مکرون موضع گرفته است اما آن هم بجائی نمیرسد. معضل اصلی این دولتها و نیروهای اسلامی شرایط و موقعیت منززلشان در کشور خودشان است. تلاش میکنند با این نوع تبلیغات موقعیت خوششان را تثبیت کنند. تلاش میکنند با اتکا به تعصبات و خرافات و مقدسات اسلامی بر فقر و بیحقوقی و بحرانهای سیاسی و اقتصادی که با آن

مواجه هستند سر پوش بگذارند ولی برعکس بیشتر از طرف مردم خودشان به چالش کشیده میشوند. در عراق و لبنان شاهد این هستیم و جامعه ایران نیز نمونه برجسته این است. حکومتهای اسلامی است. بیش از چهار دهه است که مردم ایران معنی واقعی اخلاقیات کبک زده اسلامی را تجربه کرده اند و به همین خاطر هیچ جامعه ای به اندازه جامعه ایران ضد مذهب و خواهان مدنیت و مدرنیسم و جمع کردن بساط نیروهای اسلامی از جامعه نیست.

در چنین شرایطی توجیه قتل فجیع معلم فرانسوی به این خاطر که به اسلام توهین کرده است فقط با خشم و انزجار مردم مواجه میشود. به نظر من رژیم نمیتواند از این شرایط نفعی ببرد و موج برگشتی در پی این ماجرا خواهد آمد که بر عکس، موقعیت دولتهای اسلامی را ضعیف تر خواهد کرد.\*

## در سالگرد قیام ۹۸ و در آستانه...

که در آن از پشت جبهه بی انتهایی از خانواده های جان به لب رسیده را به همراه داشت.

چند دستاورد مهم:

آبان ۹۸ در کنار تأثیرات متنوع در صحنه سیاسی ایران، چند دستاورد بسیار مهم دارد که جا دارد رویشان تاکید شود: با دیدن صدها شهر و نقطه با خواست مشابه و عزم سرنوینی حکومت بیش از پیش این حقیقت در خودآگاهی مردم نقش بست که تنها نیستند. آنان که میخواهند حکومت سرنگون شود فقط اهالی یک محله و یک شهر و یک استان و یک منطقه نیستند. تعدادشان بسیار زیاد است و قدرت پایان دادن به عمر حکومت اسلامی را دارند. معلوم شد که تعداد شهروندانی که همه چیزشان را باخته اند زیادند و نه تنها این بلکه تعداد کسانی که چنانشان به لب رسیده است و حاضرند ریسک کنند بسیار زیادند. اگر چه مردم در باره

نفر و دستگیری هزاران نفر جنبش بایکوت سیاسی - فرهنگی - هنری جمهوری اسلامی در جهان را به ارمغان آورد. در متن چنین شرایط جهانی، جنبش دادخواهی جانباختگان آبان و هواپیما میدان آماده تری برای پیشروی و قدرتمند کردن کل جنبش سرنگونی خواهد داشت.

همه آن زمینه هایی که در دو سال به نو قیام منجر شد سرچایشان هستند و اگر همه فاکتورهای جدید دیگر را هم کنار بگذاریم قاعدتا بازگشت یک تعرض گسترده تر به حکومت اسلامی در چشم انداز است. اما هیچکدام از نیروهای درگیر در قیام ۹۸، نه حکومت اسلامی و نه نیروهایی که به قصد سرنگونیش به خیابانها ریخته بودند در موقعیت قبیل نیستند. فقر بیشتر شده است. ظلم و ستم هر روزه در هر گوشه این کشور توسط نیروهای آزار و سربوب حکومتی بیشتر شده است و در نتیجه فقرت و انزجار گسترده تر شده است، کوچکترین امیدی به کوچکترین تغییری در چهارچوب این حکومت وجود ندارد، مردم عاصی

تر شده اند و دنبال راهی برای رهایی. اعتراضات کارگری وسیعتر شده است و جنبشهایی مثل دادخواهی کشته های آبان و هواپیما و علیه اعدام و غیره همچنان پیش میروند. اینکه قیامی وسیعتر از ۹۸ رخ خواهد داد یا نه جای سوال نیست. خود حکام اسلامی به هزار زبان میگویند منتظرش هستند و دارند آماده میشوند. مساله این است از همین الان ما مردم، شهروندانی که در محل کار و مدرسه و دانشگاه و محلات نیروی اصلی چنین قیامی خواهیم بود از همین الان بدون فوت وقت و به هر شکل ممکن متشکلتتر و متشکلتتر شویم. خودمان را در تشکلهای کارگری و دانشجویی و هسته ها و شورهای محلات به هم وصل کنیم که هماهنگی و حرکت متحد و قدرتمند و قدرت عملان در مقابل نیروهای سربوب را بیشتر میکند. خودمان را به همردان و همفکران و هم هدفها و همزمانمان در محل کار و دانشگاه و محلات و شهرها و منطقه

ها وصل کنیم که این بار با صفی مسجتمتر و متحدتر به سراغ حکومت اسلامی برویم. و بالاخره خودمان را از طریق پیوستن به احزاب سیاسی ای که هدفی ندارند جز رهایی از حکومت اسلامی، رهایی از هرگونه نابرابری و تبعیض و ستم و بی حقوقی، در کنار نیروی عظیمی از انسانهایی قرار دهیم که در این صورت ده تا حکومت اسلامی هم قادر به شکستشان نخواهد بود.

حزب کمونیست کارگری به اعتبار تلاشها و مبارزات چند دهه گذشته است نشان داده است که با تمام توان برای پایان دادن به هیولای اسلامی حاکم در ایران، پایان دادن به تبعیض و بیحقوقی به هر شکل و به هر بهانه و به هر نامی و به این اعتبار پایان دادن به عمر حکومت اسلامی تلاش و مبارزه میکند و همه انسانهای آزاده و برابری طلب را در کنار خود، در صف خود و همرمز خود میداند.\*

**سرنگون باد جمهوری اسلامی**

## بیانیه به مناسبت سالگرد خیزش آبان ۹۸

جنبش آبان هر روز سربلند میکند!

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
Worker-communist Party Of Iran

خونی که جمهوری اسلامی در آبان راه انداخت، خیزش آبان ۹۸ را متوقف کرد اما تنها به این قیمت که به همه بخش های جامعه ایران و همچنین به تمام جهان صراحتا اعلام کند که بین مردم ایران و جمهوری اسلامی هیچ حائلی باقی نمانده و از نقطه نظر مردم جز گسترش اعتراضات و اعتصابات و نهایتا قیام و مبارزه قهرآمیز برای سرنگونی این رژیم راه دیگری نیست.

خیزش آبان ۹۸ در عین حال معنای سرنگونی جمهوری اسلامی را بطور ایژکتیو در برابر همگان قرار داد. شعارهای تند علیه کلیه بخش های حکومت، حمله به مراکز مذهبی، به مراکز نیروهای سرکوبگر، به بانکها و مراکز چپاول مردم، عملا نشان داد که مبارزه توده های مردم در واقع علیه کل آن سیستم اجتماعی حاکم است که اینک ایت الله های میلیاردی تولید آن را برعهده دارند. قرار نیست که در سرنگونی جمهوری اسلامی چیزی از حکومت مذهبی، از ماشین سرکوب دولتی و از نهادهای سرمایه داری حاکم، از تعرض و انقلاب

خیزش گسترده و کوبنده آبان ۹۸، نقطه عطفی در مبارزه مردم ایران برای رهایی از جمهوری اسلامی است. مقدمات این خیزش در اعتصابات گسترده طبقه کارگر در سالهای اخیر، جنبش های اعتراضی گوناگون و مبارزات توده ای نظیر دی ماه ۹۶ فراهم شده بود؛ و به نوبه خود، آبان ۹۸ کل فضای سیاسی را تحت تاثیر قرار داد و فصل جدیدی در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی گشود که مهر رادیکالیسم و آشتی ناپذیری آبان را بر خود دارد.

در آبان خونین ۹۸ حکومت اسلامی تماما همچون رژیمی جنایتکار و اشغالگر و یک ماشین کشتار ظاهر شد؛ اینترنت و وسایل خبررسانی را قطع کرد و توده های عظیمی که در بیش از صد شهر در اعتراض به گرانی بنزین خیابانها و محلات را به اشغال خود درآورده و به پمپ بنزین ها، مراکز سرکوب، نهادهای مذهبی و بانکها حمله میکردند را به گلوله بست. هنوز بعد از یکسال کسی نمی داند چند هزار نفر دستگیر، زندانی، زخمی و کشته شدند. حمام

مردم مصون باقی بماند. به این معنی خیزش آبان ۹۸ گام دیگری در پیشروی انقلاب ایران به معنای وسیع کلمه است؛ انقلابی که چهار دهه قبل برای آزادی و برابری و رهایی سر بلند کرد و گرچه حکومت پادشاهی را پایین کشید اما توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد و ناکام ماند.

و بالاخره، خیزش آبان ۹۸ کل اوضاع سیاسی ایران و تحولات بعدی را تحت تاثیر خود قرار داد و مهر رادیکالیسم و آشتی ناپذیری با جمهوری اسلامی بر آن زد؛ و این روند همچنان ادامه دارد. از تظاهرات های خشمگینانه در اعتراض به شلیک عمدانه جمهوری اسلامی به هواپیمای مسافربری (پرواز پی اس ۷۵۲) با شعار "نابود باد جمهوری اسلامی" تا توده ای ترین نمایش اعتراضی تاریخ علیه مجازات اعدام و تا همین امروز که هر روز موضوع تازه ای در اعتراض عمومی جامعه ایران علیه جمهوری اسلامی به صدر اخبار میروید، میتوان رنگ و بوی خیزش آبان را دید و شنید. خیزش آبان و تحولات بعدی، بویژه اعتراضات وسیع به قتل نوید افکاری، موج جدید و بی سابقه ای از تلاش برای بایکوت سیاسی، ورزشی، فرهنگی و نظامی جمهوری اسلامی و اخراج آن از کلیه



## خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!

داخل و خارج کشور میکوشیم تا سالگرد آبانماه ۹۸ به فرصتی برای گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به فرصتی برای افشاء و انزوای جهانی بیش از پیش این مصداق جنایت علیه بشریت تبدیل شود.\*

**گرامی باد خیزش آبان ۹۸**  
**نابود باد جمهوری اسلامی**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۴ آبان ۱۳۹۹  
۲۵ اکتبر ۲۰۲۰

نهادهای بین المللی را در سطح جهان دامن زده است. به این معنی، آرمانها و اهداف خیزش آبان ۹۸ علیرغم سرکوب جنایتکارانه و خونین و علیرغم گذشت یکسال همچنان پرقدرت و پر نشاط در تلاش و مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی زنده است. از همین رو ما در سالگرد آبان ۹۸ به همراه همه مردم، بویژه در همراهی با خانواده ها و بازماندگان قربانیان آبان خونین یاد این جانباختگان و قهرمانان آبان را گرامی میداریم و با تمام توان در

هرچه مردم برای خیزش و سرنگونی بیشتر آماده میشوند، حکومت خشونت بیشتری از خود نشان میدهد. اما هرچه حکومت وحشیگری بیشتری میکند، مردم نیز خشمگین تر و مصمم تر میشوند. اعتراض مردم قرار ندارد فروکش کند. بحران های حکومت هر روز عمیق تر میشود، اختلافات درونی حکومتیان بیشتر و عمیق تر میشود، افشاگری از یکدیگر بیشتر میشود

روحانی برای پایان ریاست جمهوری اش لحظه شماری میکند، اما کل حکومتیان از شروع یک انتخابات دیگر بر خود میلرزند. از اصولگرایان کسی رئیس جمهور شود، گناه مشکلات را به گردن

## حکومتیان از سایه خودشان

### هم وحشت دارند

پیگیر خواستههایشان هستند، تجمع میکنند و شعارهای رادیکال و تندی سر میدهند و بر فضای اعتراضی جامعه تاثیر قابل توجهی باقی گذاشته اند.

حکومت اما چنان خود را ضعیف و شکننده میداند که تحمل تجمع آرام آنها را هم ندارد. میدانند که هر جمعی زمینه اعتراضات بزرگتر خواهد بود. اما علیرغم همه وحشیگری حکومتیان، نه جلو جمعاعات را میتوانند بگیرند، نه جلو اعتصابات را و نه جلو حضور وسیع و روزافزون مردم در مادیای اجتماعی را.

اینبار رفتار وحشیانه با بازنشستگان جمع پیگیری خواست هایشان در روز دوشنبه ۵ آبان در مقابل وزارت نف آبان تجمع کرده بودند مورد هجوم حراستی ها و نیروهای امنیتی حکومت قرار گرفتند و تعدادی از آنها مجروح شدند.

زن شجاعی از نرده ها بالا رفت و برخی دیگر از بازنشستگان نیز با بالا رفتن از نرده ها به داخل محوطه وزارت نفت رفتند تا اعتراض خود را مطرح کنند. بازنشستگان سالها است قاطعانه و مصممانه



بحرانی ترین حالت دارند به گوشه میروند و هر روز قدم های تازه ای به جلو بر میدارند تا در فرصتی حسابش را برسند.\*

چه کسی ببندازند و یک اصلاح طلب رئیس جمهور شود، شکستی برای جناح خامنه ای تلقی میشود و کل حکومت در انتظار مردم ضعیف تر میشود. مردم اما قصد کوتاه آمدن ندارند. حکومت را در

از مادیای اجتماعی حزب



شد و منجر به بحرانی ترین دوران سیاسی در عراق گردید. در طول یکسال گذشته، حکومت عراق و بویژه جریانات اسلامی با کشتار مردم و با آدم ربایی و ترور فعالین و یا آتش زدن چادرهای معترضین که در میدانی شهرها برپا شده است، تلاش کردند جامعه را آرام کنند اما همه این تلاش ها ناکام ماند و با هر جنایتی توسط حکومت و مرتجعین اسلامی مردم به اعتراض خود شدت بیشتری دادند. مردم اقدامات و توطئه های سیاسی حکومت را نیز یکی پس از دیگری به شکست کشانده اند. گسترش اعتراضات به استعفای عادل المهدي نخست وزیر این کشور در ماه آذر سال قبل منجر شد. نخست وزیران بعدی نیز یکی پس از دیگری با مخالفت مردم مواجه شدند و مجبور به استعفا شدند از جمله نخست وزیری محمد توفیق علاوی که مورد حمایت مقتدا صدر و جمهوری اسلامی قرار داشت، یک ماه بیشتر دوام نیاورد. نخست وزیر بعدی نیز به سرنوشت مشابهی دچار شد و بحران حکومتی هر روز عمیق تر شد. مردم اعلام کردند که هیچ کسی از مقامات سابق و کنونی حکومت عراق و یا دار و دسته های اسلامی را قبول نخواهند کرد.

یک معضل مردم عراق دار و دسته های مسلح اسلامی هستند که توسط آدمکشانی مانند مقتدا صدر

آنها و بویژه کودکان نیز هست. اما از دیدن آخوند جماعت و مقامات حکومت و مامورین نهی از منکر بشدت حالشان میگیرد و روزشان خراب میشود. توصیه عموم مردم این است که سگ ها را آزاد بگذارید و امام جمعه ها و ... را از خیابان ها جمع کنید.\*

از مندیای اجتماعی حزب

بیانیه:

## مردم انقلابی عراق بار دیگر خیابانهای این کشور را تسخیر کردند

جمعه دار و دسته های وابسته به جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند. این جنایات نه فقط مردم را مرعوب نکرده، بلکه بر خشم و عصبانیت و انزجار مردم نسبت به دارودسته های جانی حاکم بسیار شدت داده است. در تظاهرات دوشنبه ۲۵ اکتبر عکس هایی از تعدادی از قاتلین تظاهرات کنندگان در دست مردم بود.

یکی از جلوه های باشکوه اعتراضات در عراق حضور فعال و چشمگیر زنان و نقش پیشتاز و شجاعانه آنها است. بسیاری از مردمی که در طول یکسال گذشته توسط اوباش حکومت و فرقه های جنایتکار اسلامی به ضرب گلوله مجروح شده اند نیز در تظاهرات روز دوشنبه شرکت داشتند. موقعی که مردم قصد داشتند خود را به منطقه سبز که پارلمان و سایر مراکز دولتی در آن مستقر شده برسانند مورد تیراندازی قرار گرفتند و تعدادی مجروح شدند.

اعتراض مردم عراق که در ابتدا علیه فساد و فقدان خدمات شروع شد سرعت به اعتراض علیه کل حاکمیت و همینطور علیه جریانات اسلامی از جمله فرقه های اسلامی دست ساز جمهوری اسلامی تبدیل

روز دوشنبه ۲۵ اکتبر (۴ آبان) جمعیت عظیمی از مردم در صفوف هزاران نفره در شهرهای مختلف عراق علیه حکومت فاسد و دار و دسته های آدمکش اسلامی در این کشور به خیابان آمدند و اعلام کردند که کوتاه نمی آیم و این وضعیت را نمیپذیریم. مردم عراق قاطعانه اعلام کرده اند که این حکومت فاسد است و همکار جمهوری اسلامی است و باید کلیه سیاستمداران حاکم گورشان را گم کنند و بساط جریانات اسلامی از این کشور برچیده شود. اعتراضات توده ای مردم عراق که به آن انتفاضه اکتبر (انقلاب اکتبر) میگویند یکسال قبل در روز ۲۵ اکتبر شروع شد و کم و بیش در تمام طول یکسال گذشته ادامه داشته است. تظاهرات عظیم روز دوشنبه به مناسبت سالروز آن صورت گرفت. در بغداد، ناصریه، کربلا و نجف، دیوانیه، کوی و سماوه صدها هزار نفر از مردم معترض از زن و مرد به خیابان آمدند و خواهان معرفی و محاکمه عاملین کشتار مردم در طول یکسال گذشته شدند. بیش از ۵۰۰ نفر از تظاهر کنندگان توسط نیروهای سرکوب حکومت و یا دار و دسته های اسلامی از

و یا مستقیماً توسط جمهوری اسلامی و قاسم سلیمانی و با صرف هزینه های سنگینی تشکیل شده اند. بیجهت نیست که قتل سلیمانی قاتل به جشن مردم عراق منجر شد. در آذر سال قبل نیز مردم انقلابی در نجف به کنسولگری جمهوری اسلامی در کربلا حمله کردند و سپس کنسولگری جمهوری اسلامی در نجف را به آتش کشیدند. مردم معترض مقر و دفاتر حزب الله را با بولدوز و ویران کردند و دفاتر آنها و همچنین تصاویر نوری المالکی را به آتش کشیدند. مردم علیه دستجات تروریستی و علیه ترور رهام یعقوب فعال زنان در بصره با صدای رسا و در جمعیتی عظیم فریاد زدند و اعتراض کردند.

زنده باد انقلاب آزادیخواهان مردم عراق زنده باد همبستگی مردم ایران و عراق

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ آبان ۱۳۹۹  
۲۸ اکتبر ۲۰۲۰



سگ مایه مسرت ماست

جامعه را باید از وجود موجوداتی پاک کرد که مژاحم و مایه نفرت مردم هستند از جمله آخوندها.

## خیابان ها را از چه موجوداتی باید پاک کرد؟

خیابانها بگرداند پس نباید اجازه سگ گردانی را به عدهای بدهند." یک نظرخواهی ساده به امام جمعه رشت نشان خواهد داد که مردم از دیدن سگ نه تنها ناراحت نمیشوند بلکه مایه مسرت

امام جمعه رشت گفته است "عدهای بین سگ و فرزند خود فرقی قائل نیستند"، "سگ گردانی" نوعی "هنجار شکنی است، مسؤلان شهرداری همانطور که اجازه نمی دهند کسی گاو و گوسفند را در



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiran.org



## جورج فلویدهای ایرانی

اجتماعی بعنوان جرج فلویدهای ایران معرفی میشوند و به جمهوری اسلامی و اوپاش جنایتکارش توهنی میزنند. خشونت و بیرحمی دستگاه قضایی که روز بروز ابعاد بیشتری بخود میگیرد، وحشت حکومتی را نشان میدهد که میداند مردم عزمشان برای بزیر کشیدن حکومت جرم شده است. نه این جنایات، نه دستگیری ها و محکومیت ها و نه گروه های ضربت محلات کمکی به حکومت نخواهد کرد. حکومتیان بهتر از هر کس میدانند که آبان های عظیم تری در راه است و سیل خشم مردم بنیان این حکومت را خواهد کند.\*

**حزب کمونیست  
کارگری ایران**  
۵ آبان ۱۳۹۹  
۲۶ اکتبر ۲۰۲۰

دقیقه زجرکش می‌کنند. به گزارش پزشکی قانونی آثار ضرب و جرح شدید در تمامی بدن او هویدا است. علی‌اکبر احمدی‌نژاد، بازپرس پرونده قتل مهرداد سپهری با وقاحت بی‌مانندی می‌گوید: «مأمور پلیس برای ترساندن از شوکر استفاده کرده است. بعد از شوکر زدن، فرد بدون هیچ اظهار درد و تالمی می‌نشیند!»

اما مردم خشمگین به درست، بی‌پناهی و مرگ مهرداد سپهری را با قتل رساندن آسیه پناهی ۶۱ ساله در شهرک فدک کرمانشاه که مقابل مأموران برای ممانعت از تخریب آلونکش مقاومت می‌کرد، مقایسه می‌کنند.

بلافاصله بعد از مهرداد سپهری، محسن مین‌باشی ۳۷ ساله را در اسفراین بدون اینکه مسلح باشد و یا اقدامی علیه نیروی انتظامی کرده باشد با شلیک مستقیم دو گلوله در خیابان به قتل می‌رسانند.

اما تک تک این جنایات بلافاصله به مساله ای اجتماعی تبدیل میشود، وسیعاً در مدیای اجتماعی منعکس میشود و حکومتیان را به غلط کردن می‌اندازد. ابراهیم ریسی، رییس قوه قضاییه حکومت در واکنش به قتل مهرداد سپهری و بی

بیانیه:

## نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

### افسار پاره کرده است

### جورج فلویدهای ایران

### را جهان می‌شناسد!

اسلامی به سرعت واکنش نشان می‌دهد و با هزاران کامنت در مدیای اجتماعی علیه این رفتار وحشیانه و علیه حکومت اعتراض می‌کند. بهاره سمبلی به نام «دختر خونین» آبادان می‌شود. دادستان عمومی و انقلاب آبادان که با خشم و افشاگری بی‌امان مردم روبرو شده است تهدید می‌کند که: «افرادی که فیلم این حادثه را در فضای مجازی منتشر کرده اند به زودی دستگیر خواهند شد».

جنایت زنجیره‌ای ایادی جمهوری اسلامی با کشتن مهرداد سپهری جوان ۲۷ ساله در شهرک حجت مشهد ادامه می‌یابد. روز شنبه سوم آبان مأموران انتظامی او را به میله‌ای در خیابان دست‌بند می‌زنند و بدون این که بتوانند کوچکترین مقاومتی بکنند، مقابل چشم عابرین و اهالی محل با شوکر و پاشیدن اسپری فلفل به مدت ۴۵

رفتار وحشیانه نیروی انتظامی حکومت اسلامی در شکنجه و به قتل رساندن علنی مردم در خیابانها، اوج درماندگی و استیصال حکومتی است که به انتهای خط رسیده است. جز با خشونت و جنایت مأمورانش نمی‌تواند خود را سرپا نگهدارد. این حکومتی است که وحشت زده به هر جا و هر کس حمله می‌برد، با قساوت و بی‌رحمی می‌کشد. تازه بماند!

انتشار خبر هولناک هتک حرمت و شکنجه علنی «بهاره چشم‌پراه» دختر جوانی به جرم دادخواهی توسط نیروی حراست پالایشگاه در آبادان، هزاران هزار بار در مدیای اجتماعی منتشر شده است. او را جهت اعتراف اجباری علیه خودش به تلویزیون می‌کشاند تا با خیال واهی ذهن جامعه را منحرف کنند، اما جامعه در مقابل درندگی جمهوری

## زن ستیزی جمهوری اسلامی

### انتهایی ندارد

تصاویر زنان را از سنگ قبرها حذف کردند

اما بلافاصله مجبور به عقب نشینی شدند



یعنی نصف مردم جامعه از تمام شئون اجتماعی که سالهاست با حجاب مشمزن کننده اسلامی و هزار تبعیض و تحقیر دیگر جریان دارد، سنتی بازمانده از دوران جاهلیت و عقب ماندگی و توحش است. این حکومت باید از صحنه جامعه جارو شود. دوران امروز دوران شتر و محمد و عصر حجر نیست که زن جنس فرودست و تحقیر شده است و نه اسم دارد نه عکس و نه حق و نه جایی در جامعه. این رسم عقب مانده ترین و وحشی ترین قبایل دوران قهقراست.

طنز این تهاجم ارتجاعی در این است که جمهوری اسلامی عاجز از مبارزه زنان در جامعه، از فرط استیصال سراغ محو کردن و رنگ پاشیدن به تصویر زنان بر سنگ مزارشان می‌رود. اما پس از عقب نشینی مفتضحانه در حذف تصاویر دختران از کتاب‌های درسی، درمورد

در شهر رویان مازندران (علمده سابق) به دستور هیئت امنای آرامگاه رویان تصاویر زنان متوفی از روی سنگ مزار آنان مخفیانه با رنگ پوشیده و حذف شده است. خانواده‌های افراد متوفی خشمگین و عصبی از مخدوش کردن و رنگ پاشیدن بر چهره حک شده زنان بر سنگ قبرهای بستگانشان، درمورد این عمل وقیح و وحشیانه و این اقدام ضد زن اسلامی، ارتجاعی و اهانت آمیز از هیئت مدیره آرامگاه و مسئولان شهر توضیح می‌خواهند. پاسخ غیر قابل باور است! هیئت امنای در هماهنگی با مراجع دینی اظهار می‌دارند که «قرار

خیابان و محل کار شکست خورده است. زنان و مردان رزمنده این جامعه مصممند که این حکومت و تمام قوانین و سنت ها و کثافاتش را از جامعه جارو کنند و این آرمان را هرچه زودتر با انقلاب خویش عملی خواهند کرد و جامعه ای شاد و انسانی و آزاد و برابر را رقم خواهند زد.\*

**حزب کمونیست  
کارگری ایران**  
۵ آبان ۱۳۹۹  
۲۶ اکتبر ۲۰۲۰

حذف تصاویر زنان بر سنگ قبرشان نیز ناکام ماند. جمهوری اسلامی با زن ستیزی زاده شده است. سراسر تاریخ نکبت حکومت اسلامی با ضدیت علیه زنان و پایمال کردن هویت و حق زنان توأم بوده است. شجاعت و جسارت تحسین برانگیز زنان در دفاع جانانه از حق برابرشان، پوزه این حکومت وحشی را به خاک مالیده است. حکومتی که در نبرد با زنان در کوچه و



حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در اوایل دهه هفتاد از تمام نهادهای بین المللی اخراج گردید، حکومت آپارتاید جنسی نیز باید در سطح بین المللی بایکوت شود و از نهادهای ورزشی، هنری و دیپلماتیک بیرون انداخته شود. توجیهاتی از قبیل اینکه بایکوت ورزشی حکومت اسلامی جهانی محروم میکند، بهیچوجه قابل قبول نیست و تنها بازی کردن در دست حکومتی است که نصف جامعه یعنی زنان را از ابتدایی ترین حقوق خویش حتی در ورزش و حتی تماشای ورزش محروم کرده و حتی همین ماه پیش یک قهرمان کشتی یعنی نوید افکاری را به دلیل شرکت در اعتراضات مسالمت آمیز، با توطئه گری اعدام کرد و در همین روزهای اخیر چندین مورد قتل و شکنجه چند جوان در ملاء عام را به نمایش گذاشته است. لیست اقدامات وحشیانه این حکومت علیه تمام بخشهای مردم بسیار بسیار طولانی است.

کمیته بین المللی المپیک ادعا میکند که نمیخواهد در سیاست دخالت کند و به همین دلیل کاری به اینکه جمهوری اسلامی چه جنایاتی انجام میدهد ندارد. سوال ما اینست که

## نامه سرگشاده به کمیته

### بین المللی المپیک:

## رژیم اسلامی ایران باید از جامعه جهانی ورزش و المپیک اخراج شود!

معترضین در آبان ۹۸، شلیک عامدانه به پرواز پی اس ۷۵۲، که به کشتار ۱۷۶ سرنشینان

آن انجامید، و دستگیری، شکنجه و اعدام معترضین پس از آن، که امروز نیز ادامه دارد، مایه تاسف عمیق و اعتراض شدید ماست. تصمیم شما مبنی بر عدم اخراج جمهوری اسلامی از المپیک در حالی صورت می گیرد که بخش های مختلف مردم و شخصیت های ورزشی، هنری سیاسی ایران، شامل قهرمانان ان کنونی و سابق المپیک، و همچنین قهرمانان ها و

های معتبر ورزشی در سطح جهان، مانند "انجمن جهانی ورزشکاران"، "ورزشکاران گلوبال" و غیره، خواهان طرد این جامعه جهانی ورزش شده اند. از نظر ما همانگونه که

توماس باخ  
پرزیدنت کمیته بین  
المللی المپیک  
لوزان، سوئیس

### آقای توماس باخ گرامی

من این نامه را در رابطه با خواست مردم ایران برای بایکوت ورزشی جمهوری اسلامی به شما می نویسم. تصمیم اخیر شما مبنی بر عدم اخراج رژیم اسلامی ایران از المپیک در پی اعدام شنیع کشتی گیر قهرمان نوید افکاری در سپتامبر امسال، و علیرغم جنایات بیشمار این حکومت علیه بشریت طی چهل و یک سال گذشته، از جمله کشتار دهها هزار نفر از مخالفین و زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، و در ادامه آن، زندانی کردن، شکنجه و اعدام فعالین کارگری، زنان و دانشجویان طی این سالها، اعمال تبعیض نفرت انگیز جنسیتی علیه زنان، منجمله در عرصه ورزش، و طی همین یک سال گذشته کشتار ۱۵۰۰ نفر از

المپیک قرار دارند یک کارنامه و سابقه ناجور و غیر قابل دفاع ایجاد میکند و ما امیدواریم که این سیاست هرچه زودتر کنار گذاشته شود. هیچ توجیهی برای لاقیدی نسبت به یک حکومت ضد انسانی در این قرن قابل قبول نیست.

جمهوری اسلامی اقدامات و سیاستها و قوانین و معیارهای هیچ کدام از استانداردهای جامعه جهانی سازگاری ندارد و باید در سطح جهان بایکوت شود. رژیم اسلامی ایران باید از جامعه جهانی ورزش و مشخصا المپیک اخراج شود. این خواست فوری حزب ما و مردم ایران است.\*

### اصغر کریمی

رئیس هیات اجرایی  
حزب کمونیست  
کارگری ایران

۷ آبان ۱۳۹۹  
۲۸ اکتبر ۲۰۲۰

آیا کسانی که امروز در راس کمیته بین المللی المپیک قرار دارند، از اقدام این کمیته در سال ۱۹۷۰ مبنی بر اخراج حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی از المپیک دفاع میکنند یا به دلیل دخالت در سیاست آنرا نیز طرد و محکوم میکنند؟

کارنامه جمهوری اسلامی از نظر اعدام، و تبعیضات و محدودیتهایی که برای بخشهای مختلف مردم در همه زمینه ها و از جمله ورزش ایجاد میکند از همه دولتهای کنونی دنیا بدتر و وحشیانه تر است و بر هیچکس پوشیده نیست و کمیته بین المللی المپیک نیز حتما از آنها خبر دارد. لاقیدی نسبت به توحش چنین حکومتی نسبت به زنان و جوانان و ورزشکاران و بخشهای مختلف مردم، برای کسانی که امروز در راس کمیته بین المللی

و حق مسکن حقوق مسلم همه مردم است.

### طومار معلمان به حکم زندان محمد تقی فلاحی و چند خبر دیگر

- ۶۰۰ نفر از معلمان شاغل و بازنشسته در محکومیت حکم دو سال زندان محمد تقی فلاحی، دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران، بیانیه ای منتشر کرده و خواستار لغو فوری این حکم شده اند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "زندان جای فلاحی نیست؛ جای زندان، بیت المال است، جای کسانی است که حقوق ملت را زیر پا می گذارند، جای کسانی است که خون مردم بی گناهی را ریختند که از

اعتراضات در مراکز نفتی و صنایع وابسته به آن از جمله پتروشیمی ها گسترش یافته است. افزایش حقوقها، دائمی شدن قراردادهای موقت و کوتاه شدن دست پیمانکاران، ایمنی محیط کار، پرداخت ب موقع دستمزدها، اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابل بیماری مهلک کرونا از جمله خواسته های اعلام شده این کارگران بوده است.

- روز ۷ آبان جمعی از جوانان جویای کار قلعه چنجان در مقابل شرکت صنایع فولاد خوزستان تجمع کردند و خواستار کار یا تامین معیشت خود شدند. کارگران بیکار، مردم بدون درآمد و کم درآمد باید از بیمه بیکاری و حقوق پایه برخوردار باشند و دولت در قبال معیشت آنها مسئول است. درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه

### تلخیصی از چند اطلاعیه خبری

## خطر بیکاری ۹۰۰ کارگر کیان تایر،

## تجمع کارگران پتروشیمی غدیر

### و یک خبر دیگر...

چپاول و رانت خواری حاکم بسیاری از مراکز کارگری دچار بحران شده و کارگران آن از کار بیکار و یا در خطر بیکاری قرار دارند. بیکارسازیها باید متوقف شود. دولت در قبال هزاران هزار کارگری که زندگی و معیشتشان در خطر است مسئول است.

- روز ۶ آبان حدود ۲۰۰ تن از کارگران پتروشیمی غدیر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تعویق پرداخت آنها مقابل دفتر مرکزی این مجموعه در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز پنجشنبه ۸ آبان با اعلام ورشکستگی کارخانه کیان تایر از سوی سهامدار اصلی آن، این کارخانه در معرض تعطیلی قرار گرفته و ۹۰۰ کارگر آن با خطر بیکاری روبرو شدند. این خبر به فضایی از اعتراض در میان کارگران دامن زده است. کیان تایر یکی از کانون های داغ اعتراض کارگری است که همواره کارگران در برابر بیکارسازیها و تعویق پرداخت دستمزدها و زورگویی های مدیریت اینساده اند. هم اکنون با توجه به فلج اقتصادی حکومت اسلامی و بساط

فقر و بیکاری و تورم دو و حتی سه رقمی به تنگ آمده بودند و برای اعتراض مسالمت آمیز به خیابان آمدند. زندان جای قضاتی است که به هنگام رای، چشم خود را بر قانون اساسی می بندند. ما خواستار ابطال حکم دو سال زندان محمد تقی فلاحی هستیم و پیگیری نقض حقوق ایشان را به هر طریق ممکن، حق خود میدانیم." کانون صنفی معلمان در تهران و قزوین و نیز سندیکای شرکت واحد در بیانیه مشابهی اعتراض خود را به این حکم و دستگیری های اخیر اعلام کرده اند.

حزب کمونیست کارگری در حمایت از این اعتراضات بر خواست لغو

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

از صفحه 13

## تلخیصی از چند اطلاعیه خبری...

فوری حکم زندان محمد تقی فلاحتی و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی و آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی تاکید دارد.

- روز ۷ آبان رانندگان تانکر در اعتراض به وضعیت بد حمل و نقل و عدم جوابگویی به مشکلاتی که در نقل مواد سوختی به عراق با آن مواجهند، مقابل راهداری کرمانشاه - چهار راه سیلو تجمع کردند. در همین روز تانکر داران بین المللی مرز پرویزخان نیز در اعتراض به گرانی ها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود دست به تجمع زدند.

- روز ۷ آبان کارگران پالایشگاه بندرعباس با پخش فیلمی از وضعیت غذایی و سرورس های رفت و آمد به شرکت تراکم جمعیت کارگران

در صف غذا و در سرورس ها اعتراض خود را به عدم رعایت پروتکل های سازمان بهداشت جانی در مقابله با بیماری مهلک کرونا رسانه ای کردند.

- روز ۶ آبان شبنم آشوری مدیر نشریه آگاهنامه اجتماعی- کارگری که پیش تر در ۱۵ مهرماه بازداشت شده بود، بصورت موقت با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد. حزب کمونیست کارگری ضمن ابراز خوشحالی از آزادی موقت او، خواستار بسته شدن پرونده امنیتی وی و آزادی کامل و بدون قید و شرط او میباشد.

- روز ۶ آبان تعدادی از کارکنان دروازه های ورودی منطقه آزاد اروند در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مطالبات خود مقابل شرکت تعاونی منطقه آزاد اروند تجمع کردند و بر خواستهای خود

تاکید کردند.

## اعتصاب کارگران پتروشیمی نوید زر شیمی و چند خیر اعتراضی دیگر

۶ آبان ماه:

کارگران پتروشیمی نوید زر شیمی در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند.

تعدادی از مربیان پیش دبستانی آذربایجان غربی در این روز با حضور در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان، خواستار رسیدگی به مطالباتشان و استخدام در آموزش و پرورش شدند. در همین روز مربیان پیش دبستانی در اهواز نیز دست به راهپیمایی زدند.

- جمعی از کارگران و رانندگان سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز، به دلیل عدم پرداخت مطالبات مزدی و حق بیمه، مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.

- جمعی از آموزش



دهندگان سوادآموزی شهرستان دزفول با تجمع در دفتر نماینده مجلس اسلامی در این شهر خواستار تبدیل وضعیت خود و استخدام در آموزش و پرورش شدند.

شغلی و معیشتی خود و نیز تعویق پرداخت دستمزدها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به تجمع زدند. این اعتراضات از روز اول آبانماه آغاز شده است\*

### حزب کمونیست کارگری ایران

۸ آبان ۱۳۹۹  
۲۹ اکتبر ۲۰۲۰

حبس به زندان اوین منتقل شد.\*  
26 اکتبر 2020

خصوص او قابل اجرا است. وی نهایتاً در تاریخ ۲۸ مردادماه امسال بازداشت و جهت تحمل

دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تاریخ ۸ دیماه ۹۸، این افراد را را مجموعاً به ۱۵ سال و شش ماه زندان محکوم کرد.

بر اساس رای صادره که روز شنبه ۷ دی ماه به وکلای مدافع آنان ابلاغ شده است، بکنش آبتین و رضا خندان مهابادی، دو تن از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران هر یک به ۶ سال حبس تعزیری و کیوان باژن به ۳ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند. این شهروندان پیشتر در دادگاه انقلاب تهران مجموعاً به ۱۸ سال حبس محکوم شده بودند.

خسرو صادقی بروجنی، نویسنده و روزنامه نگار که در این نامه آزادی او نیز مطالبه شده است، همکنون دوران محکومیت خود را در اندرزگاه ۸ زندان اوین سپری می کند. آقای صادقی بروجنی پیشتر توسط دادگاه انقلاب تهران به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد و این حکم در مرحله تجدیدنظر به ۷ سال حبس تقلیل یافت.

از این میزان با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۵ سال زندان در

## نامه نویسندگان به انجمن جهانی قلم

گوش مردم جهان رسانیده و با تمامی امکانات خود آزادی فوری آن ها را بخواهید.

با احترام: پرواند ابراهامیان، داریوش آشوری، سهیل آصفی، بابک احمدی، سهراب بهداد، آزاده پارساپور، اکرم پیرامنی، سعید حریری، نسیم خاکسار، مهرداد درویشپور، منیرو روانپور، فرج سرکوهی، رضا علامهزاده، مراد فرهادپور، فرشین کاظمی نیا، آرش کیا، امیر کیانپور، ایمان گنجی، مهران مصطفوی، اکبر معصومبگی، فرهاد نعمانی، آذر نفیسی، پیمان وهابزاده، محسن بلفانی. در رابطه با افراد مورد اشاره این نامه لازم به یادآوری است،

بکنش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان باژن، سه تن از اعضای کانون نویسندگان روز شنبه ۵ مهر پس از حضور در واحد اجرای احکام دادرسی اوین بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت خود به زندان اوین منتقل شدند. پیشتر

آزادی فوری نویسندگان و روزنامه نویسان در بند را بخواهید در ماه گذشته، سه تن از نویسندگان، مترجمان و اعضای کانون نویسندگان ایران، بکنش آبتین، کیوان باژن و رضا خندان مهابادی، و نیز خبرنگار و پژوهشگر جامعه شناسی، خسرو صادقی بروجنی، به اتهام های چون «تبلیغ علیه جمهوری اسلامی» و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی»، محکوم و زندانی شدند.

این اتهام ها واهی و دروغ محض اند. هدف اصلی این محکومیت ها و بازداشت ها افزایش فشار بر نویسندگان و مردم ایران است.

زندانی کردن نویسندگان در زمانی رخ می دهد که جهان با بیماری همگیر کووید ۱۹ درگیر است و ایران، و به ویژه زندان ها در ایران، سه دلیل شمار روزافزون بیماران مبتلا به ویروس کرونا در وضعیتی بحرانی است. ما نویسندگان و استادان دانشگاه امضا کننده این نامه از شما می خواهیم که صدای همکاران زندانی ما را به



جمعی از نویسندگان: آزادی فوری نویسندگان و روزنامه نویسان در بند را بخواهید

حسب از نویسندگان و استادان دانشگاه با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۵ سال زندان در

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

